

روزنامه‌ها و مجله‌های فارسی که تجدید چاپ شده‌اند

در پیش درآمد این مختصر به جاست که یادآور شوم که مجموعه روزنامه‌ها و مجله‌هایی که تجدید چاپ شده‌اند، یکی و دو تا نیستند. مجموعه آنها تا جایی که نگارنده مطلع شده‌ام بالغ بر شصت عنوان است. و در این وجیزه اگر بخواهم درباره هر یک از این نشریه‌ها و روزنامه‌های تجدیدی حتی به اختصار مطلبی بنویسم این نوشته خود رساله‌ای خواهد شد. بنابراین ضرورت امر و وظیفه‌ای را که بر گردن خود احساس می‌کنم به من امر می‌کند این مهم را جدی‌تر پی بگیرم و مطلب را درباره هر یک از این نشریه‌ها جدا جدا دنبال کنم. در اینجا مقصود ما روزنامه‌ها و مجله‌هایی است که به صورت افست تجدید چاپ شده‌اند. نه روزنامه‌ها و مجله‌هایی که احیاناً به چاپ دوم و سوم هم رسیده‌اند. بنابر آنچه ذکر شد روشن کردیم که در این مختصر چه شیوه‌ای را انتخاب کرده‌ایم. پس باید مطلب را با روزنامه قانون میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله آغاز کنم که به محض ورود به ایران در تهران و در تبریز نسبت به تجدید چاپ آن اقدام می‌کردند. پس از آن نیز تجدید چاپی‌ها به ترتیب حروف الفبا خواهند آمد.

قانون

روزنامه قانون را میرزا ملکم خان ارمنی سفیر دولت ایران در شهر لندن در سال ۱۳۰۷ ه. ق بنیان‌گذاری کرد و نخستین شماره قانون را در غرة رجب المرجب سال ۱۳۰۷ ه. ق در لندن منتشر ساخت. روزنامه قانون از همان اوان انتشار در بسیاری از بلاد اسلامی مانند ایران، افغانستان، ترکستان، قفقاز و عثمانی جای خود را باز کرد و خواستار و خواهان و خواننده بسیار داشت. نظر

به مشکلات پست و دیر رسیدن روزنامه به دست خوانندگان آن، در شهر تبریز هاشم ربیع زاده و در تهران میرزا نصراله خان (۴) و دهها نفر دیگر در تکثیر و تجدید و پخش قانون دخالت داشتند قطع و اندازه قانون که در تهران و تبریز چاپ می شد به همان اندازه چاپ لندن بوده اما در سرلوحه چاپ تبریز و تهران مختصر تغییراتی دیده می شود که به قرار زیر است: روزنامه قانون چاپ لندن در سرلوحه عنوان آمده «قانون نمره... اتفاق - عدالت - ترقی، قیمت هر نمره یک تومان». اما در سرلوحه قانون چاپ تبریز و تهران آمده «صفحه ۱ - قانون نمره...» در زیر آن آمده «کپی» بعد عنوان روزنامه قانون و سپس در دو طرف کلمه قانون دو فرشته کوچک آمده که پیکانی در دست راست دارند، در قسمت راست عنوان آمده «قیمت اشتراک فهم کافی هفته یک نمره طبع و توزیع می شود». زیر کلمه قانون آمده «پرنس میرزا ملکم خان ناظم الدوله». در زیر عنوان ناظم الدوله آمده «اتفاق - عدالت - ترقی» و در سمت چپ عنوان روزنامه با مهر قرمز نوشته اند: «قیمت ۵ شاهی، اشتراک سالیانه طهران ۲۰ قران، سایر ولایات ۲۵ قران، خارجه ۱۵ قرانک، طهران هاشم ربیع زاده» زیر عنوان این مطالب ذکر شده است: «محل صدور این جریده در دفترخانه کمپانی انطباعات شرقی در کوچه لومبارد ۳۸ لندن، محل توزیع در طهران و تبریز کتابخانه تربیت».

از ۲۲ شماره تجدید چاپ شده قانون که در اختیار نگارنده است و در بالای کلمه قانون ذکر شده کپی تمام سرلوحه ها بدین منوال است که در بالا آمده، نگارنده پیش از ۴۱ شماره از روزنامه قانون را ندیده ام. و ظاهراً کاملترین دوره ای که از قانون به جا مانده دوره ای است که در اختیار ادوارد براون انگلیسی بوده و اینک در کتابخانه دانشگاه کمبریج نگاهداری می شود و سالها پیش از آنکه قانون در ایران تجدید چاپ شود، شماره هایی را که در ایران نبود یا من نیاوردم دوستی از کمبریج برای من از روی آن دوره کپی آورد که در برخی از شماره ها یادداشت و نوشته ای به خط ادوارد براون در حواشی دیده می شود. برخی از شماره های قانون - ظاهراً آسامی دیگری داشته اند از جمله شماره ۳. قانون به عنوان حجت انتشار یافته و شماره ۴۲ با ضمیمه ای به عنوان: «اشتهارنامه اولیای آدمیت» در دو صفحه انتشار یافته است که با: «ای آدمیان ایران، ای برادران مکرم...» آغاز شده است. روزنامه قانون را ایرج افشار و هما ناطق در سال ۱۳۵۵ ش و انتشارات کویر در ۱۳۶۹ ش هر یک جداگانه منتشر کردند. درباره تجدید چاپ کنندگان اولیه روزنامه قانون، سید فرید قاسمی در مقدمه راهنمای مطبوعات ایران چنین نوشته است: «وحشت دربار از تکثیر و توزیع وسیع این نشریات، باعث شد ظرف سه روز سی نفر را دستگیر کنند. در بازجویی های اولیه، ۱۸ نفر را آزاد کرده و ۱۲ نفر را با زنجیر به پا و گردن به قزوین انتقال دادند یکی از این دوازده نفر حاجی سیاح محلاتی بود (ص ۲۰).



آینده

مجله آینده یکی از بهترین و جامعترین مجله ادبی کشور است که در سال ۱۳۶۳ از طرف



لوائح آقا شیخ فضل الله نوری

به کوشش: هما رضوانی

موفقات دکتر افشار یزدی نسبت به تجدید چاپ آن اقدام شد. چهار دوره این مجله به مدیریت دکتر محمود افشار یزدی انتشار یافت. از دوره پنجم مدیریت آن به آقای ایرج افشار فرزند ارجمند بنیان گذار آینده منتقل شد. دوره اول و دوم آینده دکتر افشار بنا به تصریح ناشر (موفقات دکتر افشار) تا به حال سه مرتبه تجدید چاپ شده است. دوره سوم و چهارم را نیز تجدید چاپ کرده اند و باز اینک نیز از مجلات کم یاب است.

مجله آینده از دوره ۵ تا دوره ۱۹ حدود ۱۵ دوره به مدیریت استاد فرزانه جناب آقای ایرج افشار منتشر گردید و هزار افسوس دو سال پیش چاپ و نشر آن را متوقف کرد. مجله آینده علاوه بر مقالات و مطالب مهم رویدادهای زبان و فرهنگ ما را در سراسر جهان بازگو می کرد و دلبستگان به ادب و فرهنگ ایران را با انتشار خود خوشحال می کرد. ای کاش جناب افشار مجله آینده را قربانی تلاشهای پیگیر کارهای دیگر نمی کرد و برخی از کارهای خود را قربانی آینده می کرد و این چراغ را همیشه روشن و نورانی نگاه می داشت. جناب افشار در زمینه کارهای علمی و قلمی مورد طعنه بی انصافی بسیاری از بی انصافان قرار گرفت و خم به ابرو نیاورد. آنان که گمان می کنند افشار از دهن کجیهای آنها آینده را منتشر نکرد گمان دارم سخت در اشتباهند. چاپ و نشر مجله ای همانند آینده با وضع چاپ و نشر کاغذ و هزاران مشکلات دیگر امروز، از قدیم گفته اند، کار حضرت فیل است. اما من می گویم کار بزرگتر از حضرت فیل هم در این روزگار نیست. خداوند به افشار سعادت و سلامت عطا کند. ایشان با مجله آینده نشد با فرهنگ ایران زمین، با ایران زمین نشد، با نامواره دکتر

افشار بالاخره او مصمم است دینی را که عمری به فرهنگ آبا و اجدادی خود ادا کرده، باز هم ادا کند.

اتفاق کارگران

اتفاق کارگران یکی از روزنامه‌های نادرالوجودی است که تنها در یکجا آن را سراغ داشتیم و تجدید چاپ آن به معجزه بیشتر شباهت دارد تا به چاپ عادی این نشریه. اتفاق کارگران از نظر شناخت زمینه فعالیت کارگران مطابع در دوران خفقان آور اوایل به قدرت رسیدن رضاخان بسیار ارزنده است. سیدفرید قاسمی که همه هم خود را صرف تدوین تاریخ مطبوعات ایران می‌کند تجدید چاپ این نشریه باید جزو افتخارات قلمی خود به شمار آورد. این نشریه که امروز دو شماره آن تجدید چاپ شده یادآور روزگار دردناک کارگران مطابع کشور است. شرح فعالیت کارگران مطابع در تاریخچه نهضت کارگری که آن را در سال ۱۳۲۸ مانی تألیف کرده و به «یار و مدد کارگران سید محمد دهگان» تقدیم کرده، آمده است. نخستین شماره اتفاق کارگران روزانه در تاریخ یکشنبه ۱۸ ماه جمادی الثانی ۱۳۲۸ ه. ق در ۴ صفحه انتشار یافته است. و شماره دوم آن در تاریخ ۲۰شنبه ۱۹ ماه جمادی الثانی ۱۳۲۸ ه. ق نیز در ۴ صفحه منتشر شده است این نشریه مدیر و صاحب امتیاز و محل نشر ندارد. چنین به نظر می‌رسد که همانطوری که در آخر صفحه ۴ شماره اول آن آمده «هیأت اتفاق کارگران» این نشریه را به صورت روزانه منتشر می‌کرده‌اند و خودشان نسبت به فروش آن با فروشندگان جراید در تماس بوده‌اند. این نشریه روشنگر حقایق بسیاری از وضع اسفناک کارگران مطابع در آن ایام است. دو شماره موجود را آقای سید فرید قاسمی در مجله صنعت چاپ (ش ۱۵۸، اسفند ۱۳۷۴، ص ۴۹ - ۶۰) انتشار داده با یک بررسی دقیق تجدید چاپ کرده‌اند.

اردوی همایون

اردوی همایون یکی از روزنامه‌های جالبی است که سرگذشت خواندنی دارد و در سال ۱۳۶۳ ش تجدید چاپ شده است. هنگامی که ناصرالدین شاه قصد سفر دوم زیارت حضرت ثامن الحجج حضرت امام رضا(ع) را کرد همراهان او از زن و فرزند و رجال و خدم و حشم کم نبودند اردوی بزرگی را تشکیل داده بطوری که میرزا محمدخان غفاری کمال‌الملک سواد آن اردو را در سرخه حصار نقاشی کرده و معروف است. ناصرالدین شاه در این سفر از اعتمادالسلطنه خواست که دستگاه چاپ کوچکی که از فرانسه آورده بودند، همراه بردارد و. ماجرای این سفر را روز به روز بنویسد و چاپ کند. اردوی همایون را اعتمادالسلطنه با همیاری میرزا علی خان نائینی (صفاءالسلطنه) تدوین و تنظیم کرد و میرزا علی خان با خط نستعلیق ریز نوشت و در هر شهری که رسید، یکشماره چاپ کرد. نخستین شماره آن در دماوند و آخرین شماره آن را در بازگشت در تهران چاپ کرده‌اند. این روزنامه در مجموعه ۱۲ شماره در چندین شهر کشور به چاپ رسیده است. این روزنامه محل اداره و دفتری نداشته است. وسائل آن بار قاطری بود یا در دل یک گاری، بهر حال هر چه بود معیار ذوق ناصرالدین شاه و گرداندگان دستگاه دولتی آن روز ایران است. این روزنامه در اردیبهشت ۱۳۶۳ به وسیله کتابخانه منوچهری در تهران با مقدمه‌های ایرج افشار و عبدالله فرادی تجدید چاپ شد و

امروز نیز باز یکی از روزنامه‌های کمیاب است و جای دارد گردآورنده محترم نسبت به تجدید مجدد آن اقدام نماید. این نکته ضرورت دارد که یادآوری شود که در مورد هر شهری که تاریخچه روزنامه‌نگاری داشته باشد باید اردوی همایون را اولین روزنامه خود به شمار آورد. در زیر محل چاپ هر شماره اردوی همایون را مشخص می‌کنم:

۱- دماوند - ۲- چشمه‌علی - ۳- بسطام - ۴- کالپوش - ۵- بجنورد - ۶- قوچان - ۷- چمن - ۸- مشهد مقدس - ۹- سبزوار - ۱۰- مزینان - ۱۱- شاهرود - ۱۲- دارالخلافه طهران.

ارمغان

در مجله آینده (سال ۱۱، ص ۱۲۳۵) آمده که: «ارمغان به مدیریت وحید دستگردی تجدید چاپ شد. تهران، انتشارات ایران، ۱۳۶۳ هـ.

مجله ارمغان را در سال ۱۲۹۷ خورشیدی حسن وحید دستگردی پایه‌گذاری کرد برای مجله ارمغان باید دو دوره انتشار در نظر گرفت. اول: دوره بیست و یکساله‌ای را که خود زنده یاد وحید آن را منتشر کرد. و دوم: دوره سی و چند ساله‌ای را که محمود وحیدزاده فرزند وحید انتشار داد. دوره اول که در سالهای اولیه بصورت مجلات کوچک با چاپ و کاغذ بسیار بد انتشار می‌یافت سالها بعد که مجله رونقی بخود گرفت زنده‌یاد وحید دست به چاپ مجدد آنها زد و با کاغذ کاهی کتابی سالهای نایاب و کم‌یاب را در قطع وزیری با حروف‌ریزی جدید به چاپ رسانید و در ایران و خارج نسبت به فروش آنها اقدام کرد. پس از درگذشت استاد وحید دستگردی امتیاز ارمغان را وحیدزاده فرزند وحید بنام خود گرفت و دوستان وحید دست او را گرفتند. شاید ارمغان را بار دیگر از زمین بلند کنند. دوستان و شاگردان وحید که دست محمود وحیدزاده را گرفتند کسانی بودند که عضویت دائمی انجمن حکیم نظامی را که وحید ریاست آن را عهده‌دار بود داشتند از جمله، رهی معیری، سرهنگ نجاتی، پارسای تویسرکانی، احمد سهیلی، خوانساری، گلچین معانی، صابر همدانی، عبرت نائینی، آق اولی، حسین پرتو بیضایی و برخی دیگر. ارمغان دوره اول تا به حال ظاهراً دو مرتبه تجدید چاپ شده است. مجله وزین و مایه‌داری بود. وحید ضمن بررسی و چاپ آثار حکیم نظامی خود به کارهای تحقیقی همت می‌گماشت و عاشق و شیفته مجله ارمغان بود که درست، خوب و به وقت منتشر شود. تنها چیزی که گمان دارم وحید نتوانست با آن پنجه نرم کند یک‌نواخت کردن مطالب مجله بود که در تمام دوره ۲۱ ساله اولیه محسوس است.

دوره دوم ارمغان را که محمود وحیدزاده منتشر می‌کرد از سال ۲۲ شروع می‌شود و سه چهار سال آن یعنی از ۲۲ تا ۲۹ از نایاب‌ترین دوره‌های مجله ارمغان است. نویسندگان این سالها تقریباً همان نویسندگان و گویندگان دوره اول ارمغان وحید هستند. از سال ۳۰ به بعد تقریباً مجله افت محسوس پیدا کرد. مقالات بسیار خوب و تحقیقی نیستند. آثار منظوم دیگر آن آثاری نیست که در دوره وحید انتشار می‌یافت. من خود در سالهای ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵ همکاری با ارمغان را شروع کردم. زیرا عضویت انجمن حکیم نظامی را داشتم و هرگاهی به انجمن می‌رفتم. وحیدزاده نامه‌ای کوتاه

می نوشت «دوست عزیزم. این هفته صندلی شما در انجمن حکیم نظامی که انجمن خودتان است خالی بود امیدوارم در هفته های آینده چنین نباشد. محمود و حیدزاده».

بهرحال و حیدزاده سعی داشت قدم را جای پای پدر بگذارد. اما راه و رسم آن را نمی دانست و از همه آنها گذشته پایه و مایه پدر را نداشت. به همین علت همیشه درجا می زد و سودی از زحمت بسیار خویش نبرد. مجله ارمنان دوره ۲۱ سال که ظاهراً بعد از انقلاب مجدداً به چاپ رسیده تا سال ۶ آن را دیده ام و اگر مابقی آن را منتشر کرده باشند ندیده ام و اطلاعی ندارم.

اطلاعات

روزنامه اطلاعات نیازی به معرفی ندارد. زیرا بیش از هفتاد سال است که منتشر می شود. امتیاز روزنامه اطلاعات را نخست علی اکبر مشیر سلیمی از وزارت فرهنگ گرفت و به عباس مسعودی داد.

از ۱۱ سال این روزنامه قریب به ۱۲ مجلد تا زمان نگارش این مقاله تجدید چاپ شده است. سالهای ۱۳۰۵ خورشیدی تا ۱۳۱۳ خورشیدی و سال ۱۳۲۰ آن در دو مجلد و سال ۱۳۳۰ نیز در دو مجلد انتشار یافته است. البته روزنامه اطلاعات به مناسبت نمایشگاههای مطبوعات بارها نخستین شماره خود را تجدید چاپ کرده است.

متأسفانه از وقتی که اندازه روزنامه های کشور را به قطع و اندازه بزرگ منتشر کردند مشکلات بسیاری دامنگیر حفظ و نگهداری روزنامه های قطع بزرگ شد. یادآوری این نکته ضرورت دارد که اگر روزنامه های دوره ناصری و مظفری و حتی روزنامه های دوره انقلاب مشروطه در قطع و اندازه روزنامه کیهان و اطلاعات منتشر می شد. امروزه شاید بسیاری از آنها را نمی توانستیم برای تجدید چاپ بدست بیاوریم. در سالهای پیش از انقلاب به هر کتابخانه ای مراجعه می کردیم دوره های اولیه اطلاعات و کیهان و امثالهم را که به قطع بزرگ منتشر شده بودند با هزار دلیل و برهان در اختیار نمی گذاشتند، یا می گفتند مسئول مخزن نیست، یا آنها را به محاق بردند و از این گونه عذرها. مسلم اگر قطع و اندازه روزنامه وقایع اتفاقیه و ایران سالهای نخست و روزنامه های دیگر بزرگتر از این اندازه ای که دارند، بودند، امروز بسیاری از آنها در دست نبود. ای کاش امروز باز هم روزنامه کیهان و اطلاعات را در اندازه های روزنامه ایران و روزنامه همشهری که حالا چاپ می شود، چاپ و منتشر کنند. تعداد صفحات آنها بیشتر خواهد شد اما هزار حسن در این اندازه هست که در آن اندازه های بزرگ نیست.

انجمن تبریز

روزنامه هایی که زیر عنوان «روزنامه ملی»، «جریده ملی»، «انجمن» و «انجمن تبریز» در سالهای انقلاب مشروطه در تبریز، به چاپ رسیده، نشریه انجمن ایالتی و ولایتی تبریز است. این روزنامه در سال ۱۳۷۴ ش تجدید چاپ شد. می دانیم که این روزنامه یکی از روزنامه های مهم و ارزنده ای است که در انقلاب مشروطه در شهرستان تبریز منتشر شده است. امید است

در ایام هفته بقدر امکان طبع و نشر میگردد
تکم نموده هفت شای

عنوان نگار و تقنون : از توغیه اسپا ابراهیم
عنوان مراسلات نبی : ذمن کما . مدیر
و چه اشراک بعد از سه نموده دریافت میشود

جنگل
۱۳۳۵

قیمت اشراک

کبار ۵۰
شش ۳۰
ذمن

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان بنمونه افکار اسلامی است

• نشریه جنگل

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری استانداری آذربایجان شرقی نسبت به تجدید چاپ مابقی این روزنامه اقدام کنند و بر گنجینه ذخایر فرهنگی کشور بیفزایند.

ایران

ایران روزنامه‌ای است که قریب ۸۰ سال در ایران انتشار یافت.

روزنامه ایران در آغاز انتشار در اولین شماره آن در ۱۱ محرم الحرام سال ۱۲۸۸ ق. در تهران با چاپ سنگی انتشار یافت، اعتماد السلطنه بود. اینک جلد اول آن در ۸۳۲ صفحه انتشار یافته که در بردارنده شماره ۱ تا ۲۰۸ است. چاپ شده و مقدمه‌ای دارد بقلم دکتر محمد اسماعیل رضوانی که اشاره‌گذاری است به سرنوشت این روزنامه. بنابراین برای اینکه خوانندگان مراجعی در دست داشته باشد بهتر است به تاریخ جراید صدر هاشمی و مقدمه آقای دکتر رضوانی مراجعه کنند.

ایران شهر

روزنامه یا مجله ایران شهر را که در پاریس در ماه جمادی الاولی سال ۱۳۳۲ هجری برابر با آبان ماه ۱۲۸۲ یزدگردی و مطابق با ۱۵ آوریل سال ۱۹۱۴ میلادی به چاپ رسیده، استاد ایرج افشار در «قباله تاریخ» (ج ۱، ص ۲۱۰-۲۱۳) نسبت به تجدید چاپ آن اقدام کرده است. این نشریه که شماره نخستین آن تجدید چاپ گردیده، صاحب امتیاز آن قید نشده و مطالب این شماره خواندنی است. مقاله‌ای دارد از ادوارد براون انگلیسی و نیز مطلبی درباره تاج‌گذاری سلطان احمد شاه قاجار. شماره ۱ این نشریه را که استاد تجدید چاپ آن را وجه همت قرار داده‌اند، پیش از چهار صفحه نیست. سه

صفحه فارسی و یک صفحه فرانسه. زنده‌یاد صدر هاشمی نیز اطلاع و مطلبی درباره این نشریه به دست نداده‌است. مجله ایران‌شهر که به‌وسیله حسین کاظم‌زاده ایران‌شهر در آلمان چاپ و منتشر می‌شد، در سالهای ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ در چهار مجلد به‌وسیله انتشارات اقبال تجدید چاپ شد.

بعثت

نشریه بعثت در دوران خفقان و فشار دستگاه پلیسی بر چاپخانه‌ها به گمانم به صورت پلی‌کپی انتشار می‌یافت. در خیابان بوذرجمهری جنب سرای امید روزنامه‌فروش نابینایی بود. که که گاه یکشماره این نشریه را برای من می‌آورد و می‌گفت نمی‌دانم این نشریه را چه کسی در جیب من می‌گذارد. یک روز که نشریه را سر بساط روزنامه‌فروشی در جیب او می‌گذارند. به یکی از مشتریها که شاگرد یکی از تجار سرای امید بود می‌گوئید فلانی هر دو سه ماه یکدفعه متوجه می‌شوم چند ورق کاغذ تا شده در جیب من می‌گذارند این را بخوان بدانم چیست. آن یزدی، قسمت یکی از مطالب نشریه می‌خواند و می‌گوئید فلانی مواظب خودت باش. این چند ورق کاغذ اعلامیه‌های پنهانی است. اگر پلیس متوجه بشود کلاهت پس معرکه است. خود دانی من آن را پاره کردم و در جوی آب می‌ریزم. روزنامه‌فروش به او می‌گوئید چرا پاره می‌کنی، من به تو گفتم آن را بخوانی، نگفتم پاره کنی. بهر حال من سالهای سال با آن روزنامه‌فروش دوست بودم این جور چیزها را می‌آورد و برای او می‌خواندم و خودم هم استفاده می‌کردم. من اوایل انقلاب یک دوره کامل این نشریه را داشتم به وسیله دوستی برای زنده‌یاد شهید مطهری فرستادم. من نشریه بعثت را تا شماره ۱۳ و ۱۴ بیشتر ندیدم مجموعه این نشریه به ضمیمه یک شماره نشریه مخفی انتقام از طرف انتشارات سروش در ۲۱۴ صفحه به قطع وزیری تجدید چاپ و منتشر شده است.

بهار

مجله بهار را یوسف اعتصام‌الملک (پدر شاعره بلندآوازه ایران زمین پروین اعتصامی) پایه‌گذاری کرد. اولین شماره آن در ۱۰ ماه ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ ه. ق انتشار یافت. این مجله مجموعاً در دو سال ۲۴ شماره انتشار یافت اما بعد از مدتی به علت جذابیت مطالب نایاب شد و اعتصام‌الملک به تجدید چاپ آن اقدام کرد. مجله بهار علاوه بر مقالات و مطالب درباره ادبیات ایران نخستین مجله و نشریه‌ای هست که در ایران نسبت به ترجمه داستانهای کوتاه از ادبیات فرانسه و عربی همت گمارده است. یوسف اعتصام‌الملک یکی از بزرگان و دانشمندان و مترجمان کشور است. او اولین رئیس کتابخانه مجلس شورای ملی است. ظاهراً سه مجلد فهرست کتابهای کتابخانه مجلس به همت این رادمرد ادب انتشار یافته است. مجله بهار در تجدید چاپ به صورت آبرومند و با جلد اعلا در اختیار خوانندگان قرار گرفت. این مجله را با بهترین حروف و شیوه تجدید چاپ کرده‌اند. امروز

هم بسیار نایاب است و جا دارد ناشری نسبت به چاپ مجدد آن از روی چاپ دوم اقدام کند.

پروین

شماره اول مجله پروین را استاد ایرج افشار در «قبالة تاریخ» (ج ۱، ص ۲۱۸ - ۲۳۳) در زمستان ۱۳۶۸ ش تجدید چاپ کرده‌اند و گویا بیش از همین یکشماره انتشار نیافته است. نخستین شماره «پروین» که تجدید چاپ آن را در بالا یاد کردیم در ۱۶ ذی حجه سال ۱۳۳۳ هـ. ق در طهران به چاپ رسیده است. مدیر مسئول: س.ع. خلخالی و در مطبعه برادران باقرزاده - طهران - به طبع رسیده است. این شماره ۱۹ صفحه است. و نویسندگانی که امضاء آنها پای برخی از مقالات آمده عبارتند از: محمود پهلوی (محمود محمود بعدی) اسماعیل یکانی، عنایت‌اله مدبرالدوله و حسین کاظم‌زاده ایرانشهر. محل اداره پروین در خیابان ناصریه کتابخانه خلخالی ذکر شده است. علاوه بر مقالات مهمی که در این روزنامه آمده، بنا بر این فهرست، فهرستی دارد از جرایدی که در آن اوقات در طهران و در شهرستان به چاپ می‌رسیده‌اند. در تهران ۱۸ روزنامه و مجله به چاپ می‌رسیده است و در شهرستانها نیز ۳۷ عنوان روزنامه و مجله منتشر شده است.

پیکار

روزنامه را در سال ۱۳۰۹ خورشیدی مطابق ۱۹۳۱ میلادی در برلن سلطان زاده و مرتضی علوی از طرف فرقه کمونیست ایران پایه گذاری کردند. به طوری که تدوین‌گر آثار و «اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران» آقای خسرو شاکری یاد کرده این روزنامه را تمام فشارهایی که از طرف سفارت ایران بر گردانندگان آن وارد می‌کردند از ۲۶ بهمن ۱۳۰۹ خورشیدی برابر فوریه ۱۹۳۱ میلادی لغایت ۲۲ مهر ماه ۱۳۱۰ خورشیدی و برابر با ۱۵ اکتبر ۱۹۳۱ میلادی برابر با ۱۰ خرداد ۱۳۱۰ خورشیدی منتشر گردیده، جلد ششم تدوین‌گر اسناد یادشده، در صفحه ۱۵۶ تا ۱۶۳ به چاپ رسانیده است. فهرست مقالات ۱۵ شماره پیکار را می‌توان در کتاب «اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران» ملاحظه کرد.

تیاتر

روزنامه تیاتر را که نگارنده و فرامرز طالبی در سال ۱۳۶۲ خورشیدی نسبت به تجدید چاپ آن اقدام کردیم نخستین روزنامه‌ای است که با زبان محاوره و با یک نمایشنامه بازگوکننده مفاسد اجتماعی زمان خویش است. زمینه روزنامه تیاتر بسیار کم بود و کسانی که در زمینه نمایشنامه‌های آئینی و مذهبی کار می‌کردند همه و همه بدون چون و چرا دنبال این روزنامه بودند. من از سالها پیش که برخی از مقالات و نوشته‌های میرزا رضا خان نائینی را در مجله ارمغان و جه مطالعه کرده بودم، نویسنده‌ها روزنامه تیاتر را در میان همگان خود مردی شجاع و نویسنده‌ای کم‌مانند می‌شناختم. بهر صورت تصمیم گرفتم هر طور شده مجموعه روزنامه تیاتر و مقالات او را در یک مجلد تجدید چاپ کنم.

روزنامه تیاتر را میرزا رضاخان نائینی در طهران تأسیس کرد و نخستین شماره آن با چاپ سربی، به شیوه بسیار پسندیده در مطبعه فارسی طهران در چهار صفحه به چاپ رسید. اولین شماره تیاتر در چهارم ربیع الاول سال ۱۳۲۶ هجری قمری تا ۲۱ جمادی الاول سال ۱۳۲۶ هجری قمری مجموعاً ۱۲ شماره انتشار یافت و در بمباردمان مجلس شورای ملی اداره روزنامه تیاتر و منزل میرزا رضاخان نائینی نیز مورد دستبرد قرار گرفت و همه اموال او را به غارت بردند و دفتر روزنامه را نیز غارت و ویران کردند. مجموعاً ۱۲ شماره ای که از تیاتر بدست آمد در سال ۱۳۶۲ ش با مقدمه و شرح احوال میرزا رضاخان تجدید چاپ شد که امروز نیز نایاب است و امید است در فرصت مناسب نسبت به تجدید مجدد آن اقدام کنیم.

جمهوری اسلامی

روزنامه جمهوری اسلامی چند ماه بعد از به ثمر رسیدن انقلاب پا به دایره مطبوعات کشور گذاشت. این روزنامه از همان آغاز انتشار خوانندگان بسیار یافت. به طوری که سالهای اولیه آن نیازمند تجدید چاپ شد و گردانندگان نسبت به تجدید چاپ آن اقدام کردند.

روزنامه جمهوری اسلامی از ۹ خرداد ۱۳۵۸ که اولین شماره آن انتشار یافته تا ۳۰ مهر ۱۳۵۸ در یک مجلد تجدید چاپ شده است.

جلد دوم این روزنامه از اول آبان ۱۳۵۸ تا ۲۸ اسفند ۱۳۵۸ ش است که آن را نیز تجدید چاپ کرده‌اند.

این روزنامه یکی از روزنامه‌های صبح کشور است که در تهران انتشار می‌یابد و خواننده بسیار دارد.

جنبش

روزنامه جنبش که در پس از انقلاب اسلامی ایران شروع به انتشار کرد و مدیریت آن را حاج سید جوادی به عهده داشت و مدتها انتشار می‌یافت پیش از به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی ایران به طور زیرزمینی از ۲۰ اسفند ۱۳۵۶ تا سه شنبه ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ مجموعاً ۲۷ شماره منتشر شده است. این ۲۷ شماره تجدید چاپ شده است البته برخی از مقالات چاپ جدید آن به علت بدی چاپ قابل استفاده نیست. اما مهمترین سودی که امروز تجدید این روزنامه به همراه دارد بیانگر اوضاع سه ساله ایران پیش از انقلاب است. نشریات دیگری داریم که مدتی پیش از انقلاب منتشر می‌شد اما هیچکدام از نظر مطالب گونه‌گون این جامعیت را ندارند.

جنگل

روزنامه جنگل یکی از روزنامه‌هایی است که بنا به مسائل تاریخی و سرگذشت خواندنی آن باید نسبت به تجدید چاپ و انتشار مجدد آن زودتر از اینها اقدام می‌کردند. روزنامه جنگل که ارگان



روی جلد دوره تجدید چاپ شده نشریه قانون

قوای جنگل و میرزا کرچک خان بود و به مدیریت میرزا غلامحسین کسمایی در سال ۱۳۵۵ هجری قمری بنیان گذاری شد و نخستین شماره آن: «روز یکشنبه ۱۹ شهر شعبان ۱۳۳۵ هجری قمری» در کسما یکی از شهرهای گیلان منتشر شد. این روزنامه که زبان انقلابی اعضای جنگل بود برای توزیع و ارسال آن به همه جای ایران تلاش پیگیری را آغاز کردند. مجموعه این روزنامه که از ۱۹ شهر شعبان ۱۳۳۵ تا روز سه شنبه ۱۷ شعبان المعظم سال ۱۳۳۶ هجری قمری مجموعاً ۳۱ شماره و هر شماره در ۸ صفحه انتشار یافته است. این مجموعه عیناً در سالهای اوایل انقلاب از طرف انتشارات مولی تجدید چاپ گردید و اینک مجموعه تجدید چاپ شده آن نیز در بازار کتاب خیلی کمیاب است و جا دارد ناشر آن نسبت به تجدید مجدد آن اقدام کند.

جنوب - یادگار جنوب - ندای جنوب

کسانی که ضرورت تجدید چاپ برخی از روزنامه های نایاب را و وجه همت خود قرار دادند خدمتی به تاریخ و فرهنگ ایران زمین کردند که هرگز از یاد آیندگان ما نخواهد رفت. یکی از روزنامه هایی را که در سال ۱۳۷۱ خورشیدی تجدید چاپ کرده اند روزنامه گرانقدر جنوب، یادگار جنوب و ندای جنوب است که در حقیقت هر سه عنوان بدنبال یکدیگرند. این روزنامه به همت خیرالنسا (بدر) تنگستانی و احمد تنگستانی در سال ۱۳۷۱ خورشیدی تجدید چاپ شده، روزنامه ای است که در هنگام تجدید چاپ آن ۸۶ سال می گذشت و به کلی نایاب بود. محمدباقرخان تنگستانی نخستین شماره روزنامه جنوب را «بتاریخ ۲۱ ذی حجة الحرام سال ۱۳۲۸

= ۹ خرداد ماه جلالی (کذا) ۲۳۸ و مطابق با ۱۹۱۰ مسیحی» در تهران در ۸ صفحه منتشر کرد. سردبیری آن را سید یعقوب شیرازی به عهده داشت و محل اداره آن در «طهران، خ لاله‌زار شماره ۲۶» بود. این روزنامه از شماره ۳ که روز شنبه ۵ محرم الحرام سال ۱۳۲۹ ه. ق مطابق ۲۳ خرداد جلالی انتشار یافته بالای عنوان جنوب کلمه (یادگار) نیز اضافه شده است. روزنامه جنوب از آغاز تا ۵ شنبه ۲۰ رمضان المبارک سال ۱۳۲۹ هجری قمری در مجموع ۳۵ شماره انتشار یافت و از شماره ۳۶ تبدیل به «ندای جنوب» شده است. و برای ندای جنوب شماره گذاری از ۱ آغاز گردید. شماره اول ندای جنوب که در ۸ صفحه انتشار یافته فاقد تاریخ است. اما شماره ۲ این روزنامه با صاحب امتیازی و سردبیری میرزا باقرخان معلم و مترجم تبریزی و به مدیرمسئولی محمدباقرخان تنگستانی انتشار یافت. شماره سوم ندای جنوب در ۸ صفحه در ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۹ هجری انتشار یافته است. در صفحات آغازین مجموعه تجدید چاپ شده این روزنامه ابوالفضل قاسمی مقدمه‌ای در ۲۴ صفحه نوشته است.

حقیقت

روزنامه حقیقت یکی از روزنامه‌هایی است که در اطراف آن در ایران و خارج از ایران مطالب زیادی نوشته‌اند. نظر به شیوه و راه مدیر باکنهاد و دانشمند آن، این روزنامه توانست در حقیقت جای خود را در میان روزنامه‌های حقیقت نویس ایران باز کند. صاحب امتیازی حقیقت از آن ع. بهیسانی بود. اما مدیریت آن را سید محمد دهگان به عهده داشت. از همان سرآغاز کار، حقیقت پایه و اساس مقالات و نوشته‌های خود را بر پایه حمایت از رنجبران و کارگران شرافتمند مطابع ایران گذاشت. سید محمد دهگان سالهای سال در روسیه شوروی در مقام یک نویسنده و منتقد به روزنامه‌نگاری مشغول بود. روزنامه حقیقت بسیار نایاب است و گمان دارم از دوره ۱۰۲ شماره‌ای این روزنامه دوره کاملی در کتابخانه‌های جهان نباشد. تا جایی که نگارنده اطلاع دارد برای نخستین مرتبه یکشماره حقیقت یعنی شماره ۴۲ سال اول حقیقت را «استاد دکتر باستانی پاریزی در کتاب «تلاش آزادی» (ص ۳۵۲ - ۳۵۳) در اندازه‌ای کوچکتر از اصل در سال ۱۳۴۷ ش تجدید چاپ کرد. بار دوم مجموعه‌ای از ۴۹ شماره روزنامه حقیقت را در نوامبر ۱۹۷۷ میلادی در قطع و اندازه‌ای رحلی در فلورانس منتشر کرده‌اند.

درباره دهگان و خدمات او باید کتاب مفصلی تألیف کرد و نمی‌توان در این مختصر راه به جایی برد.

خاطرات وحید

خاطرات وحید را که دکتر سیف‌الله وحیدنیا کمر همت نسبت به چاپ و نشر آن بست یکی دیگر از نشریه‌های پرفایده‌ای است که در سال ۱۳۶۳ ش به تجدید چاپ آن اقدام شد. این نشریه

قریب به ۵ سال بطور مرتب و ماهیانه انتشار یافت. چون مطالبی که در زمینه خاطرات رجال کشور برای مجله وحید فراهم می آمد، خارج از حد و حوصله مجله وحید بود دکتر سیف‌اله وحیدنیا آن خاطرات را بصورت نشریه جداگانه‌ای از مجله وحید در دستورالعمل کار نشر خود قرار داد و با انتشار چند شماره اول این نشریه جای خود را در میان نشریه‌های هم زمان خود باز کرد. خاطرات وحید از نظر صفحات به پروپیمانی مجله وحید نبود. اما در همین صفحات هم مطالب بسیار ارزنده‌ای چاپ و نشر می شد که مورد نیاز تاریخ‌نگاران و محققان کشور عزیز ما بود. روال خاطرات این بوده که در هر شماره با یکی از رجال استخوان‌دار کشور مصاحبه‌ای انجام می دادند و تصویر او را روی جلد می آوردند. به سبب ارزش بسیار آن، این نشریه خیلی زود نایاب شد. و مدیر آن نسبت به تجدید چاپ آن اقدام کرد. آگهی نشر تجدید چاپ آن در مجله آینده (سال دهم، شماره ۱۲، اسفندماه ۱۳۶۳ ش، ص ۹۸۷) آمده است.

دانش

روزنامه دانش که در سال ۱۳۷۴ خورشیدی به همت محقق کوشا آقای سیدفرید قاسمی تجدید چاپ و منتشر گردید. بنابر نوشته دکتر محمداسماعیل رضوانی در مقدمه این مجموعه، نخستین نشریه دانشگاهی است که از آغاز نشر آن بیش از یکصد و بیست سال قمری می‌گذرد اما علی‌رغم قدمت به طوری که ملاحظه خواهید فرمود از جنبه ظاهری و هنری مربوط به فن روزنامه‌نگاری در مقام والایی قرار دارد و نشریه‌ای به این درجه از نفاست در هیچ یک از دانشگاه‌های عریض و طویل ما تاکنون انتشار نیافته است. متن صفحه‌ها که به خط نسخ نگاشته شده و سرلوحه‌ها و عنوانها که به خط ثلث نگارش یافته استادانه‌ترین خط در تاریخ خطاطی است و مطمئنم که استادان خط شناس و دانشمندانی که بر تاریخچه هنر خط واقفند در همان نگاه اول هنرمند آن را خواهند شناخت. (ص ۵).

روزنامه دانش که به مدیریت علیقلی خان مخبرالدوله وزیر علوم انتشار یافته است از روز دوشنبه ۲۳ شهر رجب‌المرجب سال ۱۲۹۹ ه. ق برابر دهم ماه ژوئن فرانسه ۱۸۸۲ میلادی تا روز چهارشنبه شانزدهم شهر صفرالمظفر سال ۱۳۰۰ ه. ق مطابق ۲۷ دسامبر ۱۸۸۲ میلادی مجموعاً ۱۴ شماره انتشار یافته که عیناً نسبت به تجدید چاپ آن اقدام کرده‌اند. بزاین مجموعه زنده یاد دکتر محمداسماعیل رضوانی مقدمه تحقیقی جامعی نوشته است که خواندنی است.

۱) اینکه که نگارنده این چند سطر را قلمی می‌کنم روز ۵ فروردین ماه ۱۳۷۵ خورشیدی است بطوری که امروز بعدازظهر آقای سیدفرید قاسمی تلفنی به من اطلاع داد، دکتر محمداسماعیل رضوانی امروز صبح در منزل مسکونی خود در خیابان زرین نعل دارفانی را وداع گفت. و قرار است فردا صبح روز دوشنبه ۶ فروردین ماه ۱۳۷۵ خورشیدی ساعت ۹/۳۰ صبح جنازه آن مرحوم را تشییع کنند. (محمد گلبن)

دانشکده

مجله دانشکده که مدیریت آن را محمدتقی ملک الشعراء بهار به عهده داشت قریب یکسال از برج ثور ۱۲۹۷ خورشیدی برابر با ۱۳۳۶ ه. ق تا برج ثور ۱۲۹۸ خورشیدی مطابق آوریل ۱۹۱۹ میلادی مجموعاً ۱۲ شماره به قطع و زبری انتشار یافت. این نشریه در حقیقت ناشر افکار انجمن ادبی دانشکده بود. مجله دانشکده به سبب چاپ و نشر مقالات سودمندی که بقلم ملک الشعراء بهار و رشید یاسمی و سعید نفیسی و عباس اقبال آشتیانی و زره و رضا هنری... منتشر می‌کرد، جای خود را در میان اهل نظم و نثر باز کسرد. زنده یسار بهار مقالات ارزنده‌ای در دانشکده که راهنما و راهگشای بسیاری از جوانان بود، انتشار داد. دوره دانشکده بسیار نایاب بود وقتی تصمیم به تجدید چاپ آن گرفتند روان شاد مهر داد بهار جریان را با من در میان گذاشت دوره مرا گرفت و با دوره دیگری نیز که در اختیار داشت مطابقت داد. ابتدا مصمم بود مقدمه تجدید چاپ شده دانشکده را اخوان ثالث بنویسد و من هم جریان چاپ را دنبال کنم. اما دیری بر نیامد که برای من مشکلی پیش آمد و تصمیم بر آن گرفتند که خود مهر داد مقدمه کوتاهی بر آن بنویسد. بهر حال مجله دانشکده پس از ۷۵ سال بعد از انتشار، تجدید چاپ شد و از مجلاتی است که نظر به ارزش والایی که دارد باز هم آیندگان نسبت به چاپهای بعدی آن اقدام خواهند کرد.

دنیا

مجله دنیا در سال ۱۳۱۲ خورشیدی در تهران به مدیریت دکتر تقی ارانی که یکی از تحصیل کردگان آلمان بود، منتشر شد. اولین شماره دنیا روز اول بهمن ماه ۱۳۱۲ خورشیدی در تهران انتشار یافت. مجله دنیا کمی بزرگتر از قطع و زبری به اندازه خشتی و هر شماره آن ۲۲ صفحه روی کاغذ کاهی در مطبعه سربی اطلاعات چاپ می‌شد. شیوه مجله دنیا در ایران آن روز بی سابقه بود. مدیر آن مسائل علمی را به زبان ساده در مجله خود مطرح و چاپ و نشر می‌کرد. در آن ایام دستگاه زورمدار وقت طاقت شنیدن آن مسائل را نداشت. دکتر ارانی بدون اینکه برای مجله خود تبلیغاتی بکند، برای خدمت به علم قد علم کرده بود و بیشتر مقالات علمی مجله خود را خودش بنامهای مستعار می‌نوشت برای بهتر شناختن این نشریه علمی بهتر است قسمتی از مقدمه شماره اول این مجله را مطالعه کنیم:

«دنیا در مسائل علمی، صنعتی، اجتماعی، و هنری (صنایع ظریفه) از نظر اصول مادی بحث می‌نماید و این اصل روال تاریخی آن را واضح می‌کند. دنیا و ایران نیز جزئی از آن است دائماً در تغییر و از حیث تمدن رو به تکامل می‌باشد. در این سیر ترقی ایران هم بدنبال اروپا و آمریکا می‌رود و این خود اجبار تاریخی است. باید اینطور باشد. و همینطور هم هست.»

مجله دنیا را دکتر ارانی در دوازده شماره منتشر کرد. ولی دستگاه دستور توقیف مجله و



صوت اسرافيل

نشریه صور اسرافیل

مجموعه اشعار سالانه -
تهران دوازده (۱۲) فرزند
سایر بلاد ایران هجده (۱۷) تهران

فاذا نهض فی الصور لا انساب بینهم
هفتگی سیاسی - اجتماعی - مقالات و لوایحی

عنوان مراسلات -
میرزا جهانگیر خان شیرازی و -
میرزا قائم خان تبریزی

دستگیری مدیر آن را صادر کرد. دکتر ارانی مدیر دنیا در سال ۱۳۱۶ خورشیدی دستگیر شد و روز ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ خورشیدی در اثر شکنجه در زندان قصر بندرود حیات گفت. مجموعه مجله دنیا را در سال ۱۳۶۸ شمسی در تهران تجدید چاپ کردند. در ضمن یک مقدمه ۵ صفحه‌ای آقای احسان طبری بر دوره تجدید چاپ شده این مجله نوشته است.

بدنبال مجله دنیای دکتر تقی ارانی که در سال ۱۳۱۲ خورشیدی در تهران انتشار یافت و شهرت بسیار یافت. بار دیگر گردانندگان حزب توده در خارج و داخل کشور مجله‌ای در خارج زیر نام مجله دنیا نشریه تئوریک و سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران منتشر کردند. از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۷ ش که انقلاب اسلامی ایران به ثمر رسید، این مجله را مجموعاً ۵ دوره در خارج از کشور چاپ و منتشر کردند. مجموعه دنیای دکتر ارانی و ۵ دوره بعدی را بعد از به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی عیناً حزب توده در ایران تجدید چاپ کرد.

راه مصدق

در زمستان سال ۱۳۶۳ خورشیدی «نهضت آزادی ایران» دست به گردآوری و تدوین و انتشار مجموعه نشریاتی که به عنوان راه مصدق و مکتب مصدق و غیره انتشار یافته‌اند، زد. مجموعه فوق که ناشر افکار اعضاء نهضت مقاومت ملی ایران بود در ۷۶۰ صفحه تجدید چاپ شد. در مقدمه تجدید چاپ این مجموعه می‌خوانیم:

«مجموعه‌ای را که هم اکنون در پیش رو دارید، جلد دوم از مجموعه اسناد نهضت مقاومت

ملی ایران در سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۰، شامل نشریات راه مصدق و ضمايم آن و همچنين نشریاتی که از طرف واحدهای وابسته به نهضت مقاومت ملی منتشر می شده اند، است.

کميته مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران و هریک از واحدهای وابسته بدان، روزنامه های مخفی به نامهای مختلف و در حد امکان خود منتشر می کردند. نشریه راه مصدق ارگان کميته مرکزی نهضت مقاومت ملی بوده که تا اواسط سال ۱۳۳۶ منتشر می شده است. از این مجموعه ۷ شماره (از شماره ۴ تا ۲۴) به دست آمد که در بخش اول می آوریم. علاوه بر راه مصدق، کميته انتشارات نهضت مقاومت ملی، به مناسبتهایی نشریاتی تحت عنوان ضمیمه راه مصدق منتشر می ساخته که آنها را در بخش دوم این مجموعه می آوریم.

بخش سوم این مجموعه را به نشریاتی که از طرف واحدهای وابسته به نهضت مقاومت ملی منتشر و به نامهای مصدق و مکتب مصدق و «... مصدق» و بوده اختصاص داده ایم. در تکثیر این اسناد از آنجا که روزنامه ها و اسناد به دست آمده روی کاغذهای استنسیل تکثیر شده و به علت شرایط اختناق از کیفیت چاپی نازل برخوردار می باشند و هم چنین به دلیل قدمت آنان کلیشه کردن عین اسناد ممکن نگردید. برای آشنایی خوانندگان صفحه اول هر شماره از این نشریات عیناً کلیشه گردیده و مندرجات آن بدون دخل و تصرف عیناً حروف چینی مجدد و چاپ شده اند. (ص ۶).

روح القدس (تهران)

روزنامه روح القدس را سلطان العلماء خراسانی منتشر کرد. در سرصفحه اول این نشریه آمده است: «جریده ای است آزاد، علمی و سیاسی و از پویبیککی بحث می نماید. و ابدأ شئونات و عناوین ظاهری مانع از اظهار مطالب نخواهد بود. مقام عام المنفعه درج می شود. بتاريخ دوشنبه ۲۵ شهر جمادی الثاني ۱۳۲۵ ه. ق» در بالا عنوان آن آمده «شماره اول - با سلطان خراسان - ص ۱» در زیر عنوان «سلطان خراسان» آمده «قل تنزله

فیض روح القدس از باز مدد فرماید دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد»

عنوان روزنامه به خط ثلث بسیار پخته نوشته شده است. این روزنامه که شیخ احمد تربتی خراسانی در سال ۱۳۲۵ ه. ق دایر کرد مجموعاً از دوشنبه ۲۵ شهر جمادی الثاني ۱۳۲۵ تا ۱۷ جمادی الاولی ۱۳۲۷ ه. ق ۲۸ شماره انتشار یافت و مدیر شجاع و حقوقی آن گرفتار دژخیمان محمدعلی شاه شد و او را به ترسناکترین و فجیعترین وضعی در باغ شاه به شهادت رساندند. این مجموعه به اهتمام نگارنده این سطور در سال ۱۳۶۳ به وسیله نشر چشمه به چاپ رسید. نگارنده در ابتدای این مجموعه شرح احوال و فعالیت دوران روزنامه نگاری سلطان العلماء را در ۲۴ صفحه روشن کرده ام. این مجموعه یکی از روزنامه های معروف عصر مشروطه است و به حق نسبت به تجدید چاپ مجدد آن اقدام به عمل آمده است اگرچه مردم ما این روزنامه و مدیر شجاع آن را به خوبی نمی شناسند و تجدید چاپ آن با اقبال خوبی روبرو نشد.

روح القدس (سویس)

روزنامه روح القدس را بار دیگر پس از به شهادت رسیدن مدیر آن سلطان‌العلما خراسانی، میرزا علی اکبر خان قزوینی (دهخدا) در ۲۴ صفر المظفر سال ۱۳۲۷ ه. ق منتشر کرد. اگر چه محل چاپ و نشر آن در روزنامه روشن نگریده، اما بنا به قراین و استدلالی که آوردیم دهخدا بعد از آنکه از چاپ صوراسرافیل در ایوردن ناامید شد، دست به چاپ و نشر روزنامه روح القدس زد که شرح آن را در مقدمه تجدید چاپ روح القدس آورده‌ام و یک شماره موجود را در پایان مجموعه روح القدس تهران تجدید چاپ کرده‌ام.

روزنامه حکیم‌الممالک

روزنامه حکیم‌الممالک در حقیقت سفرنامه‌ای بیش نیست و چون عنوان روزنامه به آن داده‌اند، زنده‌یاد صدر هاشمی و دیگران آن را روزنامه به شمار آورده‌اند. من نیز با مطالعه مجدد این سفرنامه با زنده‌یاد سیدمحمد محیط طباطبایی هم عقیده‌ام که این کتاب سفرنامه‌ای بیش نیست و عنوان روزنامه موجب اشتباه دیگران شده‌است. این سفرنامه اولین بار در سال ۱۲۸۶ هجری نبوی در کارخانه سید سند آقای میر باقر طهرانی به خطی نیکو و طرز مطبوع، مطبوع گردید. حرره علی اصغر» در سالهای اخیر دو نوبت دیگر این سفرنامه را تجدید چاپ کرده‌اند.

روزنامه دولت علیه ایران

روزنامه دولت علیه ایران یکی از بهترین و نفیس‌ترین روزنامه‌های ایران عهد ناصری است مجموعه این روزنامه در دو مجلد به وسیله کتابخانه ملی تجدید چاپ شد و انتشار یافت. این روزنامه که مدیریت آن را میرزا ابوالحسن خان غفاری کاشانی عموی کمال‌الملک به عهده داشت در سال ۱۲۷۷ قمری بعد از تعطیل شدن روزنامه وقایع اتفاقیه منتشر گردید. یعنی روزنامه وقایع اتفاقیه تا شماره ۴۷۱ انتشار یافت و شماره ۴۷۲ آن به روزنامه دولت علیه نامبردار شد. میرزا ابوالحسن خان غفاری کاشانی عموی کمال‌الملک که دوره فن نقاشی را در فرنگستان فرا گرفته بود بهره‌وری از فن خود را نصیب ملت و فرهنگ ایران کرد، روزنامه دولت علیه اولین روزنامه مصور جدی است که در ایران انتشار یافته است دوره این روزنامه بیش از هر روزنامه دیگری در کشور ما نایاب بود اما اگر دوره‌ای از این روزنامه بدست می‌آمد بدون اغراق، تمیز و مجلد بدست طالبان می‌رسید. در میان دوستداران تاریخ و فرهنگ مطبوعات کشور بجز عده‌ی محدود از وجود این روزنامه اطلاع نداشتند. تا اینکه در سال ۱۳۲۲ شمسی عده‌ای که مسئولیت چاپ و نشر روزنامه‌های قدیمی را در کتابخانه ملی به عهده داشتند چاپ نشر روزنامه دولت علیه را در دستور کار خود گذاشتند و چاپ و نشر این مجموعه را مقدم بر چاپ و نشر روزنامه‌های دیگر قرار دادند و مجموعه این روزنامه را از شماره ۴۷۲ تا ۶۵۰ در دو مجلد انتشار دادند و خدمت شایسته‌ای به فرهنگ مطبوعات کشور کردند.

روزنامه ملت سنیه ایران - روزنامه ملتی

تجدید چاپ روزنامه ملتی یا روزنامه ملت سنیه ایران یکی دیگر از خدمات ارزنده سیدفرید

قاسمی به تاریخ، عالم مطبوعات ایران است. روزنامه ملتی در فروردین ماه سال ۱۳۷۴ ش به کوشش سید فرید قاسمی و با پیشگفتار دکتر محمد اسماعیل رضوانی (رحمة‌اله علیه) انتشار یافت. روزنامه ملتی یکی از روزنامه‌های مهم و ارزنده‌ای است که به همت و قلم برخی از شعرا و ادباء عصر ناصرالدین شاه قاجار انتشار یافته است. رجالی چون میرزا علی خان نائینی (صفاء السلطنه)، حکیم سامانی فرزند قانای شیرازی، مرضی قلی خان، فرهاد میرزا معتمدالدوله، محسن میرزا میرآخور، محمدحسن - که بعدها لقب صنیع الدوله و سپس اعتمادالسلطنه گرفت، مؤیدالدوله، عمادالدوله و حکیم‌الممالک. روزنامه ملتی یکی از چهار روزنامه‌ای بود که به دستور ناصرالدین شاه قاجار منتشر می‌شد و قرار بر این بود که این روزنامه در حقیقت زبان گویای ملت باشد و مطالب و مفاسد اجتماعی را بی‌پرده منعکس کند. روزنامه ملتی مجموعاً از روز «چهارشنبه پانزدهم شهر محرم الحرام سنه یکهزار و دوپست و هشتاد و سه هجری» تا «یوم جمعه بیستم شهر جمادی الاخر سنه ۱۲۸۷ ه. ق.» مجموعاً ۳۴ شماره انتشار یافته است. سه شماره نخست آن با عنوان «روزنامه ملت سنیه ایران» و مابقی آن با عنوان «روزنامه ملتی» منتشر شده است. پس از انتشار این مجموعه دریافتیم که صفحه دوم و سوم شماره اول روزنامه را سفید گذاشته‌اند. معلوم شد تلاش دامنه‌دار سید فرید قاسمی برای پیدا کردن این دو صفحه به جایی نرسیده تا اینکه در مدت اندکی پس از انتشار، دو صفحه مذکور را آقای قاسمی اتفاقی در مجموعه‌ای بدست آوردند و مجدداً شماره اول را با توضیح مختصری تجدید چاپ کردند و به خریداران و دارندگان روزنامه اهدا کردند. برای اطلاعات و آگاهی بیشتر نگاه کنید به پیشگفتار دکتر رضوانی و مقدمه دقیق و عالمانه آقای سید فرید قاسمی در سرآغاز این نشریه. یادآوری این نکته ضرورت دارد که سید فرید قاسمی دو شماره از این روزنامه را در این مجموعه تجدید چاپ کرد که محققان سلف از نشر آن بی‌اطلاع بودند.

روزنامه وقایع اتفاقیه (روزنامه اخبار دارالخلافه طهران)

روزنامه وقایع اتفاقیه را بعد از روزنامه کاغذ اخبار میرزا صالح شیرازی، میرزا تقی خان فراهانی امیرکبیر در تهران بنیاد گذاشت. این مجموعه از روز جمعه پنجم شهر ربیع‌الثانی ۱۲۶۷ هجری قمری تا روز پنجشنبه ۲۶ شهر محرم الحرام سال ۱۲۷۷ در مجموع ۴۷۱ شماره انتشار یافت و از شماره ۴۷۲ بنام روزنامه دولت علیه ایران منتشر گردید. روزنامه وقایع اتفاقیه سومین روزنامه‌ای است که در کشور انتشار یافته است. این روزنامه را بنا به دستور و فرمان میرزا تقی خان فراهانی امیر نظام وقت و امیرکبیر بعدی و با همیاری میرزا جبار تذکره‌چی تبریزی (پدر سعدالدوله معروف) و قنصل ایران در بغداد که چندی لقب ناظم‌المهام خوبی را داشت و با همکاری و مترجمی برجیس صاحب دایر کردند.

این روزنامه قریب ۴۰ شماره منتشر شده بود که امیر مورد بی‌مهری و دسیسه‌های حقوق‌بگیران دولت انگلیس یعنی میرزا آقاخان نوری و دار و دسته‌اش قرار گرفت و در باغ فین کاشان بدست دژخیمی چون حاجی علی خان حاجب‌الدوله به شهادت رسید و ننگ ابدی برای این



سالنامه دولت ایران

۱۳۰۶ قمری

خاندان و ناصرالدین شاه و خسارت جبران ناپذیری برای کشور عزیز ما ایران به جای گذاشت. روزنامه وقایع اتفاقیه را در چهار مجلد کتابخانه ملی و مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها در سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ تجدید چاپ کردند.

سالنامه دولت ایران ۱۳۰۶ قمری

متن کامل این سالنامه به کوشش استاد ایرج افشار به ضمیمه کتاب چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه (ج ۳، ص ۳۳۷-۴۲۹) تجدید چاپ شده است.

ستاره سرخ

مجله ماهیانه ستاره سرخ نشریه ارگان کمیته مرکزی فرقه کمونیست ایران، که در وین بنیان‌گذاری شده و احتمالاً قریب یکسال انتشار یافته است. شماره ۵ و ۶ سال اول آن در آبان و آذر ۱۳۰۸ خورشیدی مطابق نوامبر و دسامبر ۱۹۹۲ میلادی در ۱۲۰ صفحه منتشر شده است. تدوین‌گر اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران آقای خسرو شاکری در جلد ششم مجموعه فوق شماره یادشده بالا را عیناً به چاپ رسانیده است.

شندیم در شماره ۷ و ۸ این مجله مقاله‌ای است درباره کارگران زحمت‌کش شرکت نفت آبادان و ناسزای بسیار به رضاشاه و وزراء دارد. مقاله را از وین برای سیدضیاءالدین طباطبایی فرستاده و سید پس از مطالعه آنچه مربوط به خلاف‌کاریهای رضاشاه بود، خط سرخ زیر آنها کشیده و مقاله را برای محمدرضاشاه ارسال داشته است. من خود عین کپی دست‌نوشته محمدرضا را دیدم.

سخن

مجله سخن را نخست دکتر ذبیح‌اله صفا سمنانی منتشر کرد. دوستان او پرویز خانلری، شهید نورایی، صادق هدایت، حسن قائمیان و بزرگ علوی با او همکاری می‌کردند. پس از انتشار سال اول آقای دکتر صفا امتیاز مجله سخن را به آقای دکتر پرویز ناتل خانلری واگذار کرد. دکتر خانلری قطع سخن را که در سال اول به اندازهٔ رفعی بود به وزیری تبدیل کرد و به کاغذ کاهی کتابی روی آورد. در سال دوم سخن بزرگان علم و ادب کشور همچون صادق هدایت، ملک‌الشعراء بهار، مجتبی مینوی، شهید نورایی همه و همه همکاری خود را با سخن شروع کردند و ادامه دادند. سخن بعد از آنکه به صاحب امتیازی دکتر خانلری درآمد دیگر صاحب امتیازی آن تغییری نیافت اما در هر چند دوره سردبیری آن را یکی از قلم بدستهای موفق آن ایام که خانلری به آنها اعتقاد و اعتماد داشت، به عهده داشتند. از جمله شنیده‌ام چند روز سردبیری سخن به عهده زنده‌یاد جلال‌آل احمد و چند سالی به عهده استاد ایرج افشار و چندی سیدحسینی و ... بوده است اما دکتر خانلری اشراف خود را از مجله نمی‌گرفت و بر کارها و نشر آن وقوف کامل داشت. مجله سخن در حقیقت پلی بود میان ادب ایران و دنیا. در هر یکجا نویسندگان ایرانی داستان کوتاه خوبی می‌نوشتند با داستان کوتاه زیبایی از یک نویسنده خارجی ترجمه می‌کردند برای نشر به مجله سخن می‌فرستادند. حالا چه چاپ بشود و چه نشود. بهر حال مجله سخن تیراژش زیاد بود. همه نویسندگان و مترجمان خوب با آن همکاری داشتند. از این روی جای خود را در میان نویسندگان و خوانندگان ایرانی و ایران‌شناسان باز کرده بود. مجله سخن قریب ۲۶ سال منتشر شد و بار دیگر مجموعه کامل آن تجدید چاپ شد و امروز تقریباً دورهٔ تجدید چاپ شده هم چندان آسان به دست نمی‌آید.

شرافت

روزنامهٔ شرافت که جانشین روزنامهٔ شرف است درست ۵ سال بعد از تعطیل شرف اولین شماره‌اش در تهران در ماه صفر المظفر سال ۱۳۱۴ ه. ق در ۸ صفحه منتشر شده است. در صفحهٔ اول این شماره تصویر قلمی مظفرالدین شاه به قلم مصورالملک جلو گری می‌کند. شمارهٔ دوم شرافت در شهر ربیع‌الاول سال ۱۳۱۴ ه. ق در ۴ صفحه منتشر گردیده و در صفحهٔ اول آن تصویر محمدعلی میرزا دیده می‌شود، روزنامهٔ شرافت در مجموع از صفر ۱۳۱۴ ه. ق تا شوال المکرم ۱۳۲۱ ه. ق ۶۶ شماره در ۲۷۴ صفحه منتشر شده است. مجموعهٔ تصاویر این روزنامه همچون روزنامهٔ شرف از رجال ایران و جهان است و نیز چون روزنامه شرف دارای نفاست کاغذ و نقاشی و چاپ است. روزنامهٔ شرف و شرافت یکبار در سال ۱۳۵۰ خورشیدی و چندی بعد از آن دو مرتبه از طرف انتشارات یساولی با هم یکجا چاپ و نشر شده‌اند.

شرف

اولین شمارهٔ روزنامه شرف در غرة محرم الحرام سال ۱۳۰۰ هجری قمری انتشار یافت و قریب ۹ سال تا ۱۳۰۹ هجری قمری مجموعاً ۸۷ شماره به مدیریت محمدحسن خان

اعتماد السلطنه منتشر گردید.

این روزنامه به اندازه رحلی هر شماره در چهار صفحه روی کاغذ اعلا با خط نستعلیق به صورت مصور انتشار می‌یافته است. این روزنامه دومین روزنامه مصور کشور است که نقاشیهای آن از شماره ۱ تا ۷۳ به قلم میرزا ابوتراب غفاری برادر کمال‌الملک است. میرزا ابوتراب هنرمند بزرگ و ارجمندی است که هنرمندی او از نقاشیهایی که در این روزنامه و جلد کتاب دیگر انجام داده بخوبی روشن و آشکار است. روزنامه شرف به صورت ماهیانه انتشار می‌یافته و در هر شماره در صفحه اول تصویر یکی از احوال بنام کشور یا تصویر رجال بزرگ جهان را بر صفحه اول و یا سایر صفحات خود داشته است. همچنین در برخی از شماره‌های دیگر شرف تصاویر دیگری به مناسبت‌هایی به چاپ می‌رسیده است. زنده‌یاد صدر هاشمی درباره ابوتراب غفاری آورده که نقاشیهای او تا شماره ۶۱ در این روزنامه به چاپ رسیده است. ظاهراً در نظر ایشان باید اشتباهی رخ داده باشد، چرا که آخرین اثر ابوتراب در شماره ۷۳ شرف دیده می‌شود. ابوتراب روزنامه شرف در مرحله چاپ و انتشار شماره ۷۳ بود که در سن ۲۸ سالگی در عنفوان شباب و دوران تکامل هنری خود از دست همسری ناسازگار دست به خودکشی زد و فرهنگ ایران از وجود کمال‌الملک دیگری محروم گردید. پس از مرگ میرزا ابوتراب غفاری نقاشیهای روزنامه را بنا به صلاحدید میرزا محمدخان غفاری کمال‌الملک به عهده میرزا موسی یکی از نقاشان بزرگ آن عهد واگذار کردند. روزنامه شرف از سال ۱۳۰۰ هجری قمری تا سال ۱۳۰۹ هجری قمری در مجموع ۸۷ شماره انتشار یافته آخرین شماره آن که شماره ۸۷ است، در چهار صفحه انتشار یافته است. تصویر اول این شماره از آن «جناب میرزا محمد حسین معتمد الشریعه» و در صفحه سوم آن تصویری است از جناب سیدعلی دربندی که بقلم میرزا موسی قلمی گردیده است. ۵ شماره آخر شرف را میرزا موسی نقاشی کرد. شرح احوال و تصویری از ابوتراب غفاری در شماره ۷۳ این روزنامه آمده است. درست در سال ۱۳۱۴ هجری قمری که مظفردالدین میرزا به سلطنت رسید روزنامه شرف را که ۵ سالی بود تعطیل شده بود از نو راه‌اندازی کردند و از شرف به شرافت نام‌بردار شد.

صدای ملت

صدای ملت نیز روزنامه یا مجله‌ای است که مدیریت آن را دانش علی ایرانی عهده‌دار بوده است و شماره ۲ آن در سال اول روز دوشنبه ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۷ ه. ق را نشان می‌دهد. در قبالة تاریخ که به کوشش ایرج افشار از انتشارات طلایه به چاپ رسیده، در ص ۲۰۵ کتاب مذکور تجدید چاپ شده است. بدرستی روشن نیست که این شماره که بنا به نوشته مدیرش محل اداره‌اش ایران است و «موقتاً صبح - ظهر - عصر، شب وقت و بی‌وقت طبع و منتشر می‌شود.» چند شماره و هر شماره در چند صفحه انتشار می‌یافته است.

صور اسرافیل

روزنامه صور اسرافیل را میرزا جهانگیرخان شیرازی و میرزا قاسم خان صور اسرافیل

تبریزی منتشر کردند. اولین شماره صوراسرافیل را در روز ۵شنبه ۱۷ ربیع الاخر سال ۱۳۲۵ هجری قمری پایه گذاری کردند. چون قصد انتشار کردند دیدند قلم آنها قدرت و توانایی را ندارد که مسائل روز و مفاسد اجتماعی را بازگو کنند. به صلاح دید هم به فکر افتادند یک منشی خوش خط که خط و ربط هر دو را داشته باشد، پیدا کنند. گمان دارم سید حسن تقی زاده جایی نوشته است که یا گفته است که مدیران روزنامه برای یک منشی خوب به من مراجعه کردند. من میرزا علی اکبرخان دهخدا را به آنها معرفی کردم. میرزا علی اکبرخان دهخدا از همان اولین شماره مطلبی را زیر عنوان «چرند و پرند» در صوراسرافیل آغاز کرد که خواننده بسیار یافت و هنگامی که نگارنده این سطور درباره دهخدا تحقیقی داشت متوجه شدم که حدود شش هفت روزنامه در فاصله چندماه دنباله روی از قلم دهخدا را پیش گرفته اند. از جمله آنها محمدجلیل قلی زاده مدیر ملانصرالدین است که او نیز تحت تاثیر قرار گرفت و برخی از شعرهای عامیانه دهخدا را او و گویندگان ملانصرالدین تقلید کردند. دهخدا عملاً همکاری خود را از شماره اول آغاز کرد. اما سر مقاله شماره دوم آن به امضا «ع. ا. دهخدا» است. انتشار صوراسرافیل از شماره اول دچار مشکل شد و میرزا جهانگیرخان بنا به دعوت مخبرالسلطنه هدایت برای پاره ای از مذاکرات به دارالفنون فراخوانده شد. دهخدا مقالات و نوشته های خود را با عنوانهای مختلف می نوشت. از آن جمله: دخو، برهنه خوشحال، خرمگس، ع. ا. دهخدا، ع. ا. دهخدا و غیره و از روز چهارشنبه ۲۹ رمضان ۱۳۲۵ ه. ق دبیری و نگارندگی روزنامه صوراسرافیل علاوه بر برخی از مطالب مستند در بردارنده مطالبی است که معلوم نیست صحت دارد یا نه. زیرا در آن ایام اغلب نویسندگان جراید تابع احساسات خود بودند نه پیرو عقل خود. و از این روست که نمی توان به آنچه همه روزنامه نگاران آن ایام نوشته اند صحه گذاشت، امروز با انتشار برخی از مطالب درباره انقلاب مشروطه بسیاری از نظرها دگرگونی بخود گرفته است. و قضاوت ناآگاهانه راهی به دهی ندارد. بهر حال روزنامه صوراسرافیل از روز ۵شنبه هفدهم ماه ربیع الاخر سال ۱۳۲۵ هجری تا روز شنبه ۲۰ جمادی الاولی ۱۳۲۶ هجری قمری مجموعاً ۳۲ شماره و هر شماره در ۸ صفحه به اندازه رحلی انتشار یافت. صوراسرافیل در سالهای اولیه انقلاب دوبار تجدید چاپ شده و باز امروز یکی از جراید کمیاب است. محل اداره صوراسرافیل در طهران نزدیک امامزاده یحیی کوچه مسجد فاضل خلخالی بود. این بنا تا سالهای ۱۳۶۷ شمسی به همان صورت مانده بود. نگارنده این سطور دوستی داشتم بنام یحیی خان احمدی که تاجر فرش همدان بود روزی گفت گلبن یکی از روزها که بیازار می آیی دوربین با خودت بیاور که چون به دهخدا و روزنامه صوراسرافیل علاقه داری عکسی از دفتر روزنامه صوراسرافیل بگیری و در کتابشناسی دهخدا بیاوری من هم یک روز خوشحال شال و قبا کردم و دوربین به دست رفتم بازار تانزدیکیهای ظهر در حجره آقای خان احمدی و حجره آقای نافذ همدانی این پا و آن پا کردم نزدیکیهای ظهر دیدم آقای خان احمدی با یک آدمی که نه بویی از انسانیت و نه نشانی از مسلمانی داشت به اتفاق آمدند آن آقای که حتی اسم و رسم او را به من نگفتند با یک چهره برافروخته گفت: «آقای خان احمدی خیلی بی جا



تصویر بروی جلد دوره تجدید چاپ شده نشریه روح اقلدوس

کرده که نشانی ساختمان و محل کار بنده را به شما داده است. حق ندارید از این ساختمان و از محل کار من عکس برداری کنید. اگر بفهمم چنین کاری را کرده‌اید از طریق قانون با شما روبرو خواهم شد. آقا جان خود ده خدا و همه آثار قلمی او برای من به اندازه یک وجب از این زمین ارزش ندارند. خودش از قلمش چه سودی برد که شما می‌خواهید سودش به من هم برسد. من فردا این ساختمان را می‌کوبم و یک پاساژ سرا درست می‌کنم و میلیون میلیون به جیب می‌زنم. اگر شما عکسی از این ساختمان و محل کار من بگیرید همین فردا اداره میراث فرهنگی تابلو جلو در این ساختمان می‌زند که این ساختمان جزو آثار باستانی و ملی به ثبت رسیده و عنقریب نسبت به تعمیر بنا و حفظ و نگهداری آن اقدام می‌کنیم. آقا اینجا بازار است. محل پول درآوردن و کلاه سر هم و مردم گذاشتن است. ما را به فرهنگ و تاریخ کاری نیست هرچه مردم هوشیارتر باشند به ضرر ما است. ما کمتر می‌توانیم کلاه سر آنها بگذاریم. من احمق نیستم که بدست خودم چاله بدبختی خود را بکنم. زود آقا زود این دکان را که حاصلش بدبختی من است، تخته کن. آقای خان احمدی تو هم از این به بعد حق نداری به حجره من، به محل کار من رفت و آمد کنی فکر کن من مرده‌ام. والسلام». من از آن سال دیگر به بازار نرفتم دیگر نمی‌دانم آن ساختمان را خراب کردند یا هنوز به همان حالت مانده است. خدا کند این ساختمان را مانند اغلب ساختمانهای معروف دیگر کشور ویران نکرده باشند و امروز در اختیار هر کسی هست، دولت در اختیار بگیرد. باری پس از درگیری محمدعلیشاه با آزادی خواهان و به توپ بستن مجلس

دهخدا به وسیله تقی زاده و دیگران از چنگال دژخیمان دربار محمدعلیشاه راه خارج شدن از کشور را در پیش گرفت و چون زبان فرانسه می دانست خود را به سویس رسانید و با کمک و مساعدت مالی زنده یاد ابوالحسن بیرنیا معاضدالسلطنه روزنامه صوراسرافیل را در ایوردن سویس پایه گذاری کرد و موفق شد شماره صوراسرافیل و ظاهراً دو شماره روح القدس را منتشر کند. بهر صورت او صوراسرافیل را از غره محرم الحرام سال ۱۳۲۷ هجری قمری تا ۱۵ صفر المظفر سال ۱۳۲۷ هجری هر شماره در ۸ صفحه منتشر کرد و سپس آن را تعطیل کردند. دهخدا شعر معروف خود را در مرگ میرزا جهانگیرخان در شماره دوم صوراسرافیل چاپ سویس به چاپ رسانید.

عروة الوثقی

روزنامه عروة الوثقی را که در سال ۱۳۵۶ ش آقای کاظمی خلخالی همت به ترجمه و تجدید چاپ و انتشار آن نمود. در سال ۱۳۰۲ هجری قمری سید جمال الدین اسدآبادی همدانی و شیخ محمد عبده در پاریس پایه گذاری کرد. مدیریت روزنامه را سید جمال الدین و محرری آن را محمد عبده به عهده داشت. مجله عروة الوثقی قریب ۸ ماه در پاریس انتشار یافت که مورد بی مهری دشمنان سید جمال الدین و محمد عبده قرار گرفت و نسبت به توقیف آن اقدام کردند. متن عروة الوثقی را در سال ۱۳۵۶ خورشیدی آقای کاظمی خلخالی ترجمه کرد و انتشارات حجر نسبت به تجدید چاپ عروة الوثقی اقدام کرد تجدید چاپ عروة الوثقی را مترجم آن در دو بخش ظاهراً تجدید کرده است.

جلد اول مجموعه مقالات عروة الوثقی است که نسبت به تجدید چاپ آنها اقدام کرده اند و جلد دوم شامل بخش اخباری بوده که در عروة الوثقی به چاپ می رسیده است که نمی دانم مترجم و ناشر دست به تجدید چاپ جلد دوم زده اند یا نه. این مجموعه خطابه ها مجموعاً در ۳۰۰ صفحه به بهاء ۲۵۰ ریال انتشار یافته است. در فهرست صدر هاشمی نشانه ای از عروة الوثقی دیده نمی شود اما در راهنمای مطبوعات ایران آقای سید فرید قاسمی عروة الوثقی سید جمال الدین را معرفی کرده است.

فرهنگ ایران زمین

مجله فرهنگ ایران زمین را محمد تقی دانش پژوه، دکتر منوچهر ستوده، مصطفی مقربی دکتر عباس زریاب خویی و ایرج افشار بنیادگذاری کردند. اینک قریب ۲۹ مجلد از فرهنگ ایران زمین انتشار یافته است. بنیادگذاران اولین شماره فرهنگ ایران زمین را در فروردین ماه ۱۳۳۲ ش منتشر کردند. بنیان گذاران در نظر داشتند این مجله را سالیانه و یا به صورت فصلی هر فصل یک دفتر منتشر کنند که سالیانه ۴ دفتر باشد. گمان دارم این روال تا سال ۸ و یا ۹ آن ادامه یافت و بعد از آن بنا به کارهای مختلف مدیریت فرهنگ ایران زمین را در پایان هر سال یک مجلد منتشر می کردند. سال اول تا سال بیستم فرهنگ ایران زمین در سال ۱۳۵۴ ش با کمک بنیاد نیکوکاری نوشیروانی که سرمایه گذار آن آقای حمید نوشیروانی بود تجدید چاپ کردند. اخیراً شنیدم انتشارات علمی تهران

در نظر دارد مجموعه فرهنگ ایران زمین را تجدید چاپ کند. خداوند به مدیر دانشمند و فعال و ایران دوست آن طول عمر و سلامت عنایت کند که هر قدمی برای فرهنگ این آب و خاک برداشت به خیر و صلاح این مملکت بود و خواهد بود.

کاغذ اخبار

در باره نخستین نشریه ادواری ایران، کاغذ اخبار میرزا صالح شیرازی جسته گریخته مطلب فراوان نوشته‌اند. اما جز یکی دو تا از این نوشته‌ها همه و همه تکرار مکررات است. از سر نوشت کاغذ اخبار میرزا صالح اطلاعات کاملی در دست نیست که روشن شود چند شماره از این نشریه انتشار یافته است. از آنچه از این نشریه باقی مانده نگارنده در مجله بررسیهای تاریخی (سال ۵، ش ۵) دقیق به آنها اشاره کردم. و نسبت به تجدید چاپ طلیعه و تجدید یک شماره آن اقدام کردم پیش از من تصویر یک شماره کاغذ اخبار را روزنامه کیهان نیز تجدید چاپ کرده بود. همچنین آقای سید فرید قاسمی یک شماره کاغذ اخبار را با طلیعه آن در جزوه‌ای در ۲۳ صفحه به وسیله خانه مطبوعات در سال ۱۳۷۲ ش به چاپ رسانید.

کاوه

کاوه در سال ۱۳۳۴ ه. ق در برلن آلمان منتشر شد. این مجله که در اندازه بزرگ منتشر گردیده یکی از مجلات مفید و ارزنده‌ای است که تا به حال به زبان شیرین فارسی انتشار یافته است. این مجله در دو دوره جمعاً به صورت زیر انتشار یافته است:

سال اول: ۱۷ شماره.

سال دوم: ۱۸ - ۲۴.

سال سوم: ۲۵ - ۳۳.

سال چهارم: ۳۴ - ۳۵.

سال پنجم: ۳۶ - ۴۷.

سال ششم: مجموعاً ۱۱ شماره منتشر شده است. در حقیقت در مدت ۶ سال از ربیع الاول سال ۱۳۳۴ ه. ق تا غرة ربیع الثانی ۱۳۳۹ جمعاً ۵۸ شماره در دو دوره انتشار یافته است. تقی زاده که خود آگاه و به فرهنگ ایران و غرب و چند زبان بیگانه و کهن بخوبی آشنایی داشت زمینه تحقیق را طوری گرفت که مطلب مجله اش همیشه به کار نیاید. همکاران تقی زاده در چاپ و نشر کاوه: علامه قزوینی، جمال زاده و تقی ایرانی بودند.

کمونست

نشریه یا مجله کمونست که در سال ۱۳۵۸ خورشیدی در مجموعه «اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران» (ج ۶، ص ۱۳۶) عیناً تجدید چاپ شد، یکی دیگر از نشریات نایاب و از مجموعه ذخایر گرانبهای تاریخ مطبوعات کشور است. این نشریه در خراسان در سال ۱۳۰۹ خورشیدی انتشار می یافته است و نخستین مرتبه آقای خسرو شاکری در ۱۳۵۵ آن را

به چاپ رسانید.

کیهان

روزنامه کیهان که یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار کشور است. اینک حدود پنجاه و پنج سال از آغاز انتشار آن می‌گذرد.

روزنامه کیهان نیز یکی دیگر از روزنامه‌هایی است که چند سال آن تجدید چاپ شده است. این روزنامه را از ۲۶ دیماه ۱۳۵۷ تا آخر تیرماه ۱۳۶۰ ش مجموعاً در ۱۰ مجلد تجدید چاپ کرده‌اند.

روزنامه کیهان نیز نیازی به معرفی ندارد و جا داشت که سالهای اولیه آن را مانند سالهای اولیه روزنامه اطلاعات تجدید چاپ کنند، زیرا این ضرورت پیدا و چشمگیر و مورد نیاز اهل تحقیق است.

گل سرخ

یکی دیگر از مجله‌هایی که استاد ایرج افشار در قباله تاریخ (ج ۱، ص ۲۰۶ - ۲۰۹) در سال ۱۳۶۸ خورشیدی تجدید چاپ فرموده‌اند. روزنامه گل سرخ است که ظاهراً در چهار صفحه در شیراز در اسد سال ۱۳۰۱ ش به صاحب امتیازی س. ملک‌المحققین و مدیر مسئولی سید عبدالحمید تقوی در چهار صفحه منتشر شده است. شماره‌ای را که آقای افشار نسبت به تجدید چاپ آن اقدام فرموده‌اند شماره ۷ گل سرخ است که در تاریخ فوق انتشار یافته است. زنده‌یاد صدر هاشمی نوشته است مجله گل سرخ در شهر شیراز به مدیریت آقای تقی گلستان تأسیس شد و شماره اول آن در برج جدی ۱۲۹۹ شمسی منتشر شده است.

لوايح آقا شيخ فضل الله نوري

داستان تحصن حاجی آقا شیخ فضل‌الله نوری داستانی است که مطلعان تاریخ کسانی که با انقلاب مشروطه ایران آشنایی دارند بی‌شک با اندیشه شیخ آشنایی دارند و مسأله او را در مشروطه مشروعه به خوبی می‌شناسند. شیخ وقتی در حضرت عبدالعظیم (ع) شهر ری تحصن اختیار کرد لواطی نوشت و عقاید و نظر خود را در آن منعکس کرد. برخی از علماء به او جواب دادند. ولی او از عقیده خود روی برتافت تا سر بر سر عقیده گذاشت. مجموعه لوايح شيخ تا به حال دو نوبت تجدید چاپ گردیده است. یکبار آن مجموعه را آقای محمد ترکمان جز آثار شیخ به چاپ رسانید و نیز یکبار خانم هما رضوانی با راهنمایی و با استفاده از مجموعه گرانقدر پدرش دکتر محمد اسماعیل رضوانی مجموعه لوايحي را که فرادست آورده بود و از روز دوشنبه هیجدهم جمادی الثانی ۱۳۲۵ هـ. ق تا سوم شعبان ۱۳۲۵ هـ. ق در زاویه حضرت عبدالعظیم (ع) به چاپ رسیده بود، در این مجموعه تجدید چاپ کرد. برای تدوین و چگونگی تجدید چاپ این مجموعه نگاه کنید به مقدمه محققانه‌ای که سرکار خانم هما رضوانی بر این لوايح نوشته است. ضمناً نباید نادیده گرفت که لوايح شيخ را آقای محمد ترکمان در کتابی با عنوان «مجموعه‌ای از رسائل؛ اعلامیه‌ها؛

مکتوبات و روزنامه شیخ فضل الله نوری» در ۲ جلد در سال ۱۳۶۲-۳ به وسیله مؤسسه رسا در تهران چاپ و منتشر کرد.

مجاهد

بسیاری از نشریه‌های دوره مشروطه و در دوره بیست ساله حکومت رضاخان در ایران و در خارج از کشور به امیدهایی به وجود آمدند و خیلی زود افول کردند. یکی از آن روزنامه‌ها روزنامه «مجاهد» است که در شهر اراک در ۱۸ سپتامبر ۱۹۰۷ میلادی برابر ۹ شهر شعبان المعظم سال ۱۳۲۵ ه. ق نخستین شماره آن انتشار یافته است. روزنامه مجاهد که تنها شماره اول آن دیده شده، سرعنوان آن به قرار زیر است:

«شماره ۱ فضل الله المجاهدین علی القاعدین ، مدیر و صاحب امتیاز فرقه مقدس مجاهدین دارالمرز رشت ، رشت مطبعه عروه الوثقی». علامت بالای عنوان مجاهد دو شیر با شمشیرهای آخته است. شعار «مساوات - حریت - عدالت» در بالای آن دیده می‌شود. «قیمت اشتراک سالیانه گیلان ۱۲ قران، سایر ولایات ۱۵ قران، روسیه ۶ منات، ثبت یک نسخه سه شاہی». متن کامل این شماره را آقای خسرو شاکری در اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دموکراسی و کمونیستی ایران (ج ۶، ص ۱۱-۱۵) آورده است.

محیط

مجله محیط را سید محمد محیط طباطبایی در سال ۱۳۲۱ ش بنیان‌گذاری کرد. مدیریت آن را خود آقای محیط به عهده داشت و سردبیر این نشریه دکتر عبدالعلی علوی نائینی بود. اندازه مجله رقیعی بود و سه شماره مجله محیط را استاد محیط طباطبایی منتشر کرد و شماره چهارم آن به دستور قوام السلطنه توقیف شد. اخیراً سه شماره سال اول محیط را آقای سید فرید قاسمی به همراه خاطرات مطبوعاتی آقای محیط طباطبایی از طرف مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها تجدید چاپ کرده‌اند.

«مدرسه مبارکه دارالفنون تبریز»

نشریه «مدرسه مبارکه دارالفنون تبریز» که چهار شماره آن به همت سیدفرید قاسمی و مقدمه دکتر محمداسماعیل رضوانی ضمیمه دانش: نشریه دارالفنون تهران تجدید چاپ گردیده و انتشار یافته است از نشریه‌های نادرالوجودی است که نسبت به تجدید چاپ و نشر آن اقدام شده است. این نشریه در سال ۱۳۱۱ هجری قمری پایه‌گذاری گردیده و در حقیقت اولین شماره آن در «۱۱ ماه ربیع‌الثانی ۱۳۱۱ هجری قمری مطابق ۱۲۶ اکتوبر ۱۸۹۳ مسیحی» منتشر شده است. از این مجموعه ۴ شماره در دست است که هر شماره در ۴ صفحه رقیعی است نخستین شماره‌اش در ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۱۱ ه. ق و شماره ۴ آن در پنجشنبه غره شعبان سنه ۱۳۱۱ هجری قمری مطابق هشتم فوریه ماه ۱۸۹۳ مسیحی انتشار یافته است. این مجموعه را آقای سیدفرید قاسمی با نشریه دانش نشریه مدرسه دارالفنون تهران یکجا در سال ۱۳۷۴ ش منتشر کرده است. این نشریه عنوان مدیر و محل

نشر ندارد الا اینکه در پایین علامت شیر خورشید و تاریخ نشر، نشریه در کادری آمده است:
«ورقه ماه اول مدرسه مبارکه دارالفنون دارالسلطنه تبریز، موسوم و مفتخر به مدرسه مظفریه»

مرآت السفر و مشکوة الحضر

روزنامه مرآت السفر که بعدها روزنامه مرآت السفر و مشکوة الحضر نام گرفت از روزنامه‌های دوره ناصرالدین شاه قاجار است که در سال ۱۳۶۳ ش همراه با اردوی همایون با مقدمه‌هایی از استاد عبدالله فرادی و دانشمند فرزانه آقای ایرج افشار به سرمایه کتابخانه منوچهری تهران تجدید چاپ شده است. شماره اول و دوم این نشریه روزنامه «مرآت السفر» و از شماره سوم نام آن به «روزنامه مرآت السفر و مشکوة الحضر» مبدل شده است. این نشریه در مجموع از ربیع الاول ۱۲۸۸ هـ. ق تا جمادی الاولی ۱۲۸۸ هـ. ق مجموعاً ۱۳ شماره انتشار یافته است. برای آگاهی بیشتر از چگونگی چاپ و نشر این روزنامه نگاه کنید به مقدمه‌های آقایان استاد عبدالله فرادی و جناب آقای ایرج افشار در سرآغاز این مجموعه.

مردم

گردانندگان مجله مردم یا ماهنامه مردم اینان بودند: «صاحب امتیاز دکتر رضا رادمش، سردبیر احسان طبری، مدیر داخلی جلال آل احمد».

این نشریه بدین ترتیب منتشر شد:

سال اول: (دوره پنجم) مهر ۱۳۲۵ تا شهریور ۱۳۲۶ خورشیدی) ۱۲ شماره. از شماره ۹ اسم جلال آل احمد به عنوان مدیر داخلی دیده نمی‌شود.

سال دوم: (دوره پنجم) از مهر ۱۳۲۶ تا شهریور ۱۳۲۷ خورشیدی) ۱۲ شماره. در سال دوم نیز صاحب امتیاز رضا رادمش، سردبیر احسان طبری، مدیر جلال آل احمد (بدون عنوان کلمه داخلی). از شماره دوم در شناسنامه آن گرداننده جلال آل احمد و از شماره ۵ همین سال دیگر اسمی از جلال آل احمد دیده نمی‌شود.

سال سوم: (دوره پنجم) از مهر ماه ۱۳۲۷ تا بهمن ۱۳۲۷ خورشیدی. جمعاً ۵ شماره منتشر شده است. شماره اول سال سوم نوشته‌اند با صاحب امتیازی دکتر فریدون کشاورز و سردبیری احسان طبری. سال سوم جمعاً ۵ شماره منتشر شد.

ماهنامه مردم بعد از به ثمر رسیدن انقلاب عیناً تجدید چاپ شد و بر بساط روزنامه‌فروشها خودنمایی کرد:

مردم ایران

روزنامه مردم ایران ارگان جمعیت آزادی مردم ایران (خدایپرستان سوسیالیست) در سال ۱۳۵۹ به وسیله انتشارات ابوذر انتشار یافت. این روزنامه از شهریور سال ۱۳۳۱ تا ۲۶ مرداد ۱۳۳۲ در مجموع ۵۷ شماره منتشر شده است.

برادران اسلامی !

ای سرگردگان غمخور، غمباری ! ای سواران نامدار ایرانی که بیش یک قطعه عمده از خاک پاک وطن در حفظ و حراست شما بوده و نامی باشان و شرف در ایران بلند کرده اید همه میدانید که از صد سال و اندکی دوزخ ای خائین امر، خود بین چه ظلمی سنجاب کرده و تا چه اندازی حقوق ملت را پایمال نموده و چگونه پاس نهادت شما را دیران ایرانی ترا در پشت پا زده اند

و یکو جب جای آسود و نگد اشتت نتواشتند بقاصده میومند خویش نایل شوند آخر الامر بوده دین و مذہب و ایمان و نیا نشت بیکبار ه دریدند و گردند آنچه کردند که قلم از شرح آن سترم و از و تمام آن اقدامات ناموس فلکنا نه آکتفا نموده رشتفتسا و ا بتبریز وصل گردند بدستباری و دو نفر از علماء سوگ نام و دشمنان معروف عالمیان است رحیم خان تنگ بگرام را با سواران وحشی قراجد داعی و شجاع نظام تنگ را با اشعار مرند تبریز آورده تحریک قبل نفوس و نهب اسوا ل و تنگ اعراض

نالۀ ملت

اولین شماره نالۀ ملت زیر عنوان «نوی ملی» در سال ۱۳۲۶ هـ. ق انتشار یافته است. این شماره بی تاریخ و این نشریه در دومین شماره به نام نالۀ ملت نامبردار شده و در دو صفحه در ۱۷ رجب المرجب سنه ۱۳۲۶ هـ. ق در تبریز منتشر گردیده است و آخرین شماره آن در روز ۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۷ هـ. ق زیر عنوان «نامه آخرین» در روز دوشنبه ۲۸ ربیع الاول ۱۳۲۸ هـ. ق انتشار یافت. این روزنامه در حقیقت بعد روزنامه انجمن تبریز یکی از روزنامه های مردم گرا و اجتماعی است که مجموعاً ۴۴ شماره انتشار یافته است. برخی از شماره هایش ۲ صفحه و برخی ۴ صفحه است. این روزنامه ظاهراً در سال ۱۳۲۳ خورشیدی بار دیگر در تبریز به چاپ رسیده است.

نهضت

روزنامه نهضت نیز چون روزنامه پیکار ناشر افکار فرقه کمونیست ایران بود که بعد از توقیف پیکار در برلین به چاپ و نشر آن اقدام کردند. اولین شماره در جلد ۶ «اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دموکراسی کمونیستی ایران» (ص ۱۶۴ - ۱۷۱) به وسیله خسرو شاکری در پائیز ۱۳۸۵. این شماره در برلین روز اول ماه مارس ۱۹۳۲ میلادی مطابق ۱۰ اسفند ۱۳۱۰ خورشیدی به چاپ رسیده است. ظاهراً روزنامه نهضت فرزند خلف روزنامه پیکار است.

وحید

مجله وحید را سیفاله وحیدنیا در تهران پایه گذاری کرد. دکتر سیفاله وحیدنیا علاوه بر

مجله وحید، مجله خاطرات وحید را نیز منتشر می‌کرد که یکی از نشریات مفید تاریخی بود. مجله وحید در طول حیات انتشارش مطالب و مقالات تاریخی ارزنده‌ای را به خوانندگان و دوستداران تاریخ و فرهنگ ایران ارائه داد. این مجله علاوه بر مدیر دانشمند و با ذوق خود از پشتوانه قلمی اغلب بزرگان اهل علم همچون جلال‌الدین همایی، سرهنگ نجاتی، کیوان سمیعی و بسیاری دیگر برخوردار بود. این مجله که قریب بیش از ۲۰ سال انتشار یافت، هفت سال نخست آن را در سال ۱۳۶۳ ش مجدداً تجدید چاپ کردند و ذخائری گرانبها بر گنجینه تجدید چاپ شده‌های کشور افزودند.

وقایع عدلیه

از کارهای مهمی که میرزا حسین خان سپهسالار مشیرالدوله قزوینی در راه پیشرفت و بیداری کشور انجام داد چاپ و نشر چند روزنامه بود که در دوران صدارتش بوجود آورد. از آن روزنامه‌ها یکی وقایع عدلیه بود که برای اصلاح قوانین عدلیه اعظم دایر کرد. درباره وقایع عدلیه بجز آنچه استاد ارجمند دکتر فریدون آدمیت در اندیشه ترقی و حکومت قانون یاد کرده مطلب دیگری که راهی به دهی باشد درباره این روزنامه نوشته نشده است. در زمستان ۱۳۷۳ ش آقای سید فرید قاسمی سردبیر وقت مجله رسانه صلاح‌دید که نگارنده نسبت به معرفی و تجدید چاپ دو شماره وقایع عدلیه یعنی شماره ۱ و ۲ آن اقدام کنم. نگارنده اقدام کردم و شماره ۱ و ۲ وقایع اتفاقیه را با تجدید اصل و چاپ و معرفی کامل متن در مجله رسانه «فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی» (سال ۵، ش ۴، زمستان ۱۳۷۴، ص ۹۱-۸۶) تجدید چاپ کردم. نخستین شماره وقایع عدلیه که اصل و متن آن در رسانه آمده است، میرزا حسین سپهسالار در ذی‌حجه الحرام سال ۱۲۸۷ هـ. ق در تهران منتشر کرد. این روزنامه در مجموع سه شماره انتشار یافته که دو شماره آن در نشریه یادشده تجدید چاپ و امید است نسبت به تجدید چاپ شماره سوم آن نیز اقدام شود.

یادگار

مجله یادگار را در سال ۱۳۲۵ خورشیدی روان شاد استاد عباس اقبال آشتیانی منتشر کرد. این مجله ۵ سال و هر سالی معمولاً ۱۰ شماره منتشر شد. و مجموعاً ۵۰ شماره و در حدود ۴۰ مجلد عباس اقبال آشتیانی دست به چاپ و نشر مجله یادگار زد، هنوز جامعه فرهنگی کشور اقبال چندانی به وقایع تاریخی نداشتند و اندک توجهی به مقالات تاریخی مبذول می‌شد، مجله‌ای که یکدست در زمینه تاریخ کار کند نداشتیم زنده‌یاد عباس اقبال آشتیانی مجله یادگار را به منظور آشنایی مردم با فرهنگ و تاریخ ما منتشر کرد. همکاری برخی از بزرگان اهل علم کشور جدا از خود اقبال باعث سرشناسی و توجه اهل قلم به این مجله شد. زنده‌یاد علامه قزوینی که بعد از جنگ از پاریس به ایران مراجعت کرده بود، مجله یادگار را جای مناسبی برای نشر مقالات و نوشته‌های خود دید. عباس اقبال از جان و دل به این مرد بزرگ علاقه‌مند بود و به قلم او عشق می‌ورزید و نوشته‌ای که از زیر دست استاد بیرون می‌آمد همچون ورق زردست به دست می‌گردانید و به چاپ آن اقدام می‌کرد.

مجله یادگار روی آن کاغذ کاهی کتاب در چاپخانه روزنامه اطلاعات به چاپ می‌رسید. چند شماره آن که از چاپ بیرون آمده بود و آماده پخش بود در مطبوعه طعمه حریق شد و هرکسی قصد مجلد کردن این مجله را داشت، باید سالها به شادروان حاجی محمد رضانی و دیگران مراجعه می‌کرد تا شاید این دو شماره را پیدا کند. من دوستی داشتم از مردم سمتان بنام علی نصیری که با عمویش هر دو در کار خرید و فروش کتاب و مجلات قدیمی بودند. سالها با رفت آمد خدمت این بزرگواران توانستم دوره خود کامل کنم. خوشبختانه مجله یادگار را مدیر انتشارات ترقی قریب ۲۵ سال پیش تجدید چاپ کرد و ظاهراً تا به حال دوره این مجله گرانقدر دوبار تجدید چاپ شده است. نمی‌دانم میان عباس اقبال آشتیانی و دستگاه اطلاعات در زمان او چه مسأله‌ای پیش آمد که نگذاشتند چاپ و نشر مجله یادگار را ادامه دهند. به ناچار عباس اقبال که اهل عمل و کار بود دل به ناامیدی نداد و راه خود را ادامه داد. چرا که در آن سالهایی که از چاپ و نشر مجله یادگار جلوگیری کردند عباس مسعودی که با عباس اقبال دوست نزدیک بود به او پیشنهاد کرد که مجله‌ای ماهیانه منتشر کند و به او گفت شما به جای مجله یادگار مقالات خود را در مجله ماهیانه من چاپ کن. عباس اقبال که امیدش از چاپ یادگار قطع شده بود به ناچار قبول کرد.

مجله اطلاعات ماهیانه را عباس مسعودی جایگزین مجله یادگار کرد. اما این کجا و آن کجا. عباس اقبال گمان دارم قریب سه چهار سال با اطلاعات ماهیانه همکاری تنگاتنگ داشت و مقالات تحقیقی خوب در این مجله نوشت. اقبال علاوه بر اینکه خودش با این مجله همکاری می‌کرد بسیاری از شاگردان خود را مانند: جهانگیر قائم‌مقامی، عبدالحسین نوایی و... را به همکاری با این مجله فراخواند که شاگردانش با نام اصلی و نام مستعار مقالات ماندنی و خواندنی در اطلاعات ماهیانه نوشتند. متأسفانه عباس اقبال به علت سفر اروپا همکاری خود را با اطلاعات ماهیانه ادامه نداد. اطلاعات ماهیانه نیز حدود ۱۱ سال منتشر شد. ۱۰ سال سال در یک اندازه و سال ۱۱ به اندازه رحلی که سال ۱۱ کیفیت ۱۰ سال اولیه را ندارد. ظاهراً اطلاعات ماهیانه هم در آخرین سالهای حیات عباس اقبال تعطیل شد و دیگر انتشار نیافت.

یغما

مجله یغما را در سال ۱۳۲۷ خورشیدی زنده یاد حبیب یغمایی پایه‌گذاری و شروع به انتشار کرد نخستین شماره یغما ۱۳۲۷ خورشیدی انتشار یافت و در سال ۱۳۶۳ هجری تجدید چاپ شد به جرأت می‌توان گفت مجله یغما نخستین نشریه فرهنگی بخش خصوصی است که بیش از ۳۰ سال در کشور به طور مرتب انتشار یافت. یغمایی همت و عمر خود را در سر انتشار یغما گذاشت. یغما یک تنه همه کارهای یغما را انجام می‌داد. حتی برای ارسال مجله مشترکان خود به پست‌خانه می‌رفت. یکبار به یاد دارم دکتر معین در سر چسباندن تمبر روی پاکت‌های یغما او را یاری می‌داد. یغمایی چون خود شعر خوب می‌گفت و نثر را خیلی خوب و سنجیده می‌نوشت، سعی می‌کرد مقالات و اشعاری که در یغما در می‌شود همه یکدست و خوب باشد. سفارش کسی را رد یا قبول

مقالات و اشعار کمتر قبول می‌کرد. یغمایی دوستان بزرگواری داشت که تا آخرین لحظه حیات او را تنها نگذاشتند. مانند استاد ایرج افشار، استاد دکتر باستانی پاریزی، زنده‌یاد مجتبی مینوی و ...

یغما سالی ۱۲ شماره از فروردین هر سال تا اسفند هر سال انتشار می‌یافت. چند سال یغما ۱۰ شماره منتشر شده است. و به جای شماره ۱۱ یا شماره ۱۲ کتابی انتشار یافته است. مانند شرح احوال اقبال لاهوری بقلم زنده‌یاد مینوی، تصرف بقلم دکتر قاسم غنی. استعمال برخی از لغات بقلم ادیب السلطنه محبی و ... یغمایی هر وقت در سفر دور و نزدیک بود کارهای یغما را برادر ارجمندش استاد اقبال یغمایی که یکی از دانشمندان و مترجمان بنام کشور است انجام می‌داد. استاد اقبال یغمایی نثر را نیز همچون برادرش پخته و زیبا می‌نویسد از این استاد هر چه می‌گردد جایی شعری ندیده‌ام. اما نثر را اگر پخته‌تر و سنجیده و زیباتر از حبیب ننویسد، مسلم در حد برادر می‌نویسد. خداوندش سلامت بدارد. یغما مجموعاً ۳۱ سال در ۳۱ دوره انتشار یافت و تعطیل شد. بعد از مرگ استاد یغمایی دوست و همکار دیرینه‌اش استاد ایرج افشار یادنامه‌ای برای یغمایی منتشر کرد که یغمای سی دوم نام گرفت. مجله یغما را بطور کامل انتشارات ایران و علمی منتشر کردند و امروز چاپ دوم آن هم نایاب شده تا چه برسد به چاپ اول. مجله یغما آن ارزش را دارد که بارها دست به تجدید چاپ و نشر آن بزنند روان یغمایی و روان همه آنهایی که با یغمایی همکاری کرده‌اند و امروز همچون او در خاک آرمیده‌اند، شاد باد. آمین.

کلیک منتشر کرد:

معرفی و نقد رمان نوبت فرنگی

پرتال جامع علوم انسانی

با آثاری از: لوسین گلدمن / آلن رب‌گریه / برنار لالاند / ژان میشل مولیو / استوارت سایکس / میشل بوتور / دایلیس رودورانس / ژان پل سارتر / ناتالی ساروت / مارگریت دوراس / کلود سیمون / ادیل آندزه / هانری هل / ماریان آلفان / خوان گویتی سولو / ژان ریکاردو / بابک احمدی / منوچهر بدیعی و ...

همراه با ترجمه‌هایی از: ابوالحسن نجفی / رضا سیدحسینی / منوچهر بدیعی / مینو مشیری / صفدر تقی‌زاده / خشایار دیهیمی / قاسم روبین / اصغر عسگری خانقاه / لیلی گلستان / محمد پوینده / مریم خیدری / پروین ذوالقدری / سیاوش سرتیپی / کاوه میرعباسی / هنگامه ایراندوست / زهره خالقی / محمود شکرالهی / مستانه ملک‌نیاوی و نازنین مفخم.